

برای به زانو درآوردن امپریالیسم  
یک دنیا کار وجود دارد

امپریالیسم امریکا توطئه‌های نازهای علیه انقلاب مردم ما ندارد دیده است. دولت‌های ارتجاعی منطقه تلاش‌های مذبحخانه‌ای برای زیر ضرب قرار دادن انقلاب آغاز کرده‌اند، متحدان داخلی امپریالیسم: سرمایه‌داران، زمین‌داران بزرگ، فئودال‌ها، خوانین، محافظ لیبرال، سلطنت‌طلبان، دوسان و جاسوسان امپریالیسم امریکا در ارتش با برخورداری از پشت جبهه وسیعی که امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا برای آنها فراهم آورده است، خود را وسیعاً سازمان داده و مسلح کرده‌اند. جبهه صدانقلاب فشرده‌تر شده است.

از سوی دیگر انقلاب ایران علیرغم همه صعفا و کاستی‌های چشم‌گیر هم‌چنان در حال تعمیق است و هر روز ضربات نازهای بر پیکر محض امپریالیسم امریکا فرود می‌آورد. هر روز نشانه‌های امیدبخس نازهای از نسکل و آگاهی نوده‌ها به چشم می‌خورد، مردم خواهان پیشرفت انقلاب هستند و به جرئت می‌توان گفت فشرده‌گی جبهه صدانقلاب انعکاس بنمیب مبارزات صد امپریالیستی مردم میهنمان است. بدون تردید همه سازمان‌ها و ...

بیانیه مشترک درباره  
صلح و نیروهای ضد انقلاب  
در کردستان

عادلانه را در کردستان و در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران به‌گونه‌ای پیش می‌برد که در خدمت رهایی همه خلقهای قهرمان ایران از سلطه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا قرار می‌گیرد.

سیاست استقرار صلح عادلانه در کردستان وجهی از پیکار بی‌امان علیه امپریالیسم امریکاست. از این رو سیاست صلح عادلانه در کردستان با سیاست جنگ بی‌امان با ایادی امپریالیسم امریکا و رژیم عراق در کردستان پیوسته و جدائی‌ناپذیر دارد.

سازماندهی نیروی رزمندگی خلق کرد برای درهم شکستن شبکه‌های "صدانقلاب" تکامل طبیعی مبارزه مردم کردستان بمنابه بخشی از مردم ایران برای دستیابی به استقلال، کار، مسکن و آزادی است.

در زیر قسمت‌هایی از بیانیه مشترک سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) شاخه کردستان و حزب دمکرات کردستان ایران را ملاحظه می‌کنید:

در ادامه سیاست‌های صلح‌طلبانه سازمان ما، و در جهت پیشرفت مبارزات ضدامپریالیستی خلقهای قهرمان ایران، صدور بیانیه مشترک سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) - شاخه کردستان و حزب دمکرات کردستان ایران کامی به پیش است.

سیاست صلح‌طلبانه سازمان ما، در مقابل سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران، متوجه تحکیم وحدت خلقهای ایران در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکاست.

این سیاست در مسیر تحکیم وحدت خلق قهرمان کرد با دیگر خلقهای ایران و قرار دادن هرچه بیشتر مبارزات مردم کردستان در راستای مبارزه سراسری مردم ایران علیه امپریالیسم امریکا سر می‌کشد.

سیاست صلح‌طلبانه سازمان ما، بر شناخت صحیح از بنحرفت قانونمند مبارزه طبقاتی برای ایجاد جامعه‌ای برکنار از ستم طبقاتی و از جمله ستم ملی بی‌روزی شده است. این سیاست استقرار صلح

چه کسانی مسئول فاجعه هستند؟

دراثر انفجار در انبار دینامیت، بیش از ۱۸۰ نفر از مردم روستای "ده بزرگ" (کچاران) کشته و زخمی شدند

فاجعه انفجار دینامیت در روستای "ده بزرگ" که به کشته شدن بیش از ۱۰۰ نفر از اهالی زحمتکش این منطقه و مجروح شدن بسیاری از مردم شده است، همه هم‌میهنان مبار ما را در تأثر و اندوه فرو برده است. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) ضمن ابراز عمیق ترین همدردی با خانواده و آشنایان کشته‌شدگان، خواستار رسیدگی فوری به علل این فاجعه دردناک است. ما از همه هواداران سازمان در منطقه می‌خواهیم با تمام توان خود به یاری زحمتکشان "ده بزرگ" بشتابند.

پیرامون مناظره تلویزیونی نمایندگان گروهی از کارگران با مسئولین وزارت کار: وزیرکار: به علت فشاری که ما وارد می‌شد، تفوین قانون فوریت داشت پرسیدنی است که وقتی کارگران مخالف این تصمیم هستند چه کسانی جز سرمایه‌داران عامل فشار بودند؟

در صفحه ۹

<p><b>هشدار!</b> امپریالیسم امریکا و انادی آن قصد دارد ماطمی از حوت و حوضه‌ری من را در احسار کسر بد</p> <p>در صفحه ۱۲</p> <p>مجلس شورای اسلامی ناند</p> <p>مجموعات صد کارگری شورای اعلا با تفوکید</p> <p>در صفحه ۷</p>	<p><b>دینامیت‌های انقلاب و سوسیالیسم</b></p>  <p>در صفحه ۱۱</p>	<p><b>انقلاب جهانی</b></p> <p>در راه کسب استقلال و آزادی</p> <p><b>بررسی اعتصاب ۵۶ روزه کارگران صنایع فولاد اهواز</b></p> <p>در صفحه ۱۲</p>	<p><b>در این شماره:</b></p> <p>تقویم انقلاب جهانی</p> <p>در این شماره: ۱</p> <p>در صفحه ۱۰</p>
<p><b>جوانشورای کرخانه</b></p> <p>دیسمن هنجل گردید!</p> <p>در صفحه ۱۳</p>	<p>جلس کارگری ایران</p> <p>بررسی اعتصاب ۵۶ روزه کارگران صنایع فولاد اهواز</p> <p>در صفحه ۱۲</p>	<p>... و بدینسان ترکمن صحرا، سرزمین حماسه و شورا شد</p> <p>در صفحه ۱۳</p>	 <p>در صفحه ۱۴</p>

بکشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را  
علیه امپریالیسم امریکا تحکیم بخشیم

# برای به زانو درآوردن امپریالیسم یک دنیا کار

بقیه از صفحه ۱

...جریانات سیاسی که خود را در جبهه انقلاب ایران می بینند، در وضعیت حساس کنونی مسئولیت خطیری برعهده دارند. خطاها و ندانم کاری های آنان تاثیر بلاواسطه ای در روند انقلاب ایران برجای می گذارد.

برای نمونه تاثیر مخرب و زیانبار ضدیت و کینه توزی جمهوری اسلامی ایران با انقلابیون کمونیست و مجاهدین خلق را می توان نام برد. سیاستی که تاکنون بزرگترین آسیب را به پیشرفت انقلاب ایران وارد آورده و مانعی جدی در راه یکپارچگی مردم که ضامن پیشرفت مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک میهن ماست، به وجود آورده است.

در نتیجه سیاست های ناپیگیر جمهوری اسلامی، توانایی مردم برای غلبه برگرانی، بیگاری، فقر و گرسنگی تا بدان پایه کاهش یافته است که اینک فشارهای سنگین تری بر زندگی زحمتکشان وارد می آید. این سیاست های انزوی انقلابی توده ها را به بیراه می برد و مشخصا جبهه انقلاب را برای درهم شکستن فشارهای امپریالیسم ناتوان می سازد.

انقلاب امروز در خطر است، هشدار ما یک هشدار کلی نیست. انقلاب در محاصره ضدانقلاب قرار دارد و برای درهم شکستن این محاصره باید بیش از هر زمانی انقلابی بود.

در چنین شرایطی کمونیست ها که همیشه وظایف خود را در ارتباط با منافع تاریخی توده ها مشخص می کنند، که بیگترین دشمنان امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا هستند، به انقلاب می اندیشند و برای انقلاب پیکار می کنند، باید این حقیقت را عمیقا درک کنند که حفظ انقلاب بیش از همه و قبل از همه به سود پرولتاریاست! باید این حقیقت را درک کنند که انقلاب ایران در مقیاس ملی و جهانی تغییرات محسوسی به سود نیروهای انقلابی به وجود آورده، باید این حقیقت را دریابند که غلبه ضدانقلاب به معنی از دست دادن همه امکانات و فرصت های مناسبی است که امروز توده های مردم برای کسب آگاهی و تشکل به دست آورده اند.

هیچ فرد انقلابی نباید در شرایط کنونی به بهانه ضدیت و کینه توزی جمهوری اسلامی با انقلابیون کمونیست و سیاست های ضددمکراتیک و ناپیگیر آن که از ماهیت طبقاتی آن ناشی می شود، پاسداری از دستاوردهای انقلاب را به فراموشی سپرد.

ما در ۱۵ آبان ۵۷، سه ماه مانده به قیام بهمن ماه طی اطلاعیه ای از نیروهای پیشرو خواستیم واقفیت مبارزه توده ها را درک کنند، قیام را باور کنند! ما در آن زمان گفتیم:

" مبارزان آگاه خلق! روی سازمان با شامت! گول کسانی را که از شما می خواهند در این بحبوحه قیام، مردم را بی دفاع زیر رگبار گلوله های رژیم رها کنند و در خانه های خود به درازگوشی بنشینید، نخورید که هیچ خیانتی کیفیت تر از این نیست. مردم را رها نکنید! مردم قطعاً از شما بهتر فهمیده اند که پیروزی بر شاه جلا و سرنگونی پهلوی چقدر نزدیک است. آنها این را خوب دریافته اند و دیده اند. از آنها بخواهید آنچه را که دیده اند، به شما نیز بنمایانند. قیام را باور کنید!"

ولی بسیار بودند کسانی که حتی بعد از ۲۲ بهمن ماه ۵۷ نیز قیام را باور نکردند. بسیار بودند کسانی که تصور می کردند چون توده ها خارج از اراده آنها به مبارزه برخاسته اند، چون پرولتاریا رهبری را در دست ندارد... آنچه می گذرد، حادثه های زودگذر و طفیانی خودبخودی و کور است که به زودی خاموش می شود. امروز ما باید دیگر اعلام می کنیم که خطر ضدانقلاب

را باور کنید! باور کنید که انقلاب ایران در محاصره ضدانقلاب قرار دارد. حساس بودن شرایط کنونی و نقشی که نیروهای انقلابی باید در این موقعیت حساس ایفا کنند را باور کنید. اهمیت حفظ دستاوردهای انقلاب را، اهمیت مبارزه با توطئه های امپریالیسم، اهمیت انقلاب ایران در عرصه جهانی را باور کنید و باور کنید که کمونیست ها در چنین روزهای حساسی نقش و وظیفه ای تاریخی برعهده دارند. برای درک آنچه گفتیم، تنها کافی است به آنچه در جامعه می گذرد بدون پیش داوری نظر افکنیم. تنها آنان که چشم خود را به روی واقعیات بسته اند، نمی توانند حقایق فوق را درک کنند.

در اینجا روی سخن ما با انقلابیون واقعی، با کمونیست هایی است که می کوشند وظایف خود را در مبارزه ضدامپریالیستی - دمکراتیک میهنان به درستی درک کرده و با تمام توان خود آن را به انجام رسانند. رفقا! امروز انقلاب مردم ما از هرسو در محاصره قرار گرفته. اکنون آن زمانی است که کمونیست ها باید نقش پیشرو خود را در به زانو درآوردن ضدانقلاب و حفظ و تعمیق انقلاب ایفا کنند. امروز نه ما و نه هیچ انقلابی دیگری حق ندارد حتی یک لحظه را از دست بدهد، هر مسامحه ای فرصت بزرگی برای ضدانقلاب است. خطاهای کوچک ما در این مقطع در مقیاس های تاریخی قضاوت خواهد شد.

رفقا! به میان مردم بروید و به آنها بگوئید که ریشه های واقعی نارسائی های کنونی در چیست، به مردم بگوئید که تنها و تنها برنامه ارائه شده از طرف ما است که می تواند کلیه مشکلات آنان را حل نماید. برنامه حداقل سازمان را برای آنان تشریح کنید و هر ماده آن را بشکافید و بگوئید که چرا تنها و تنها این برنامه قادر است امپریالیسم را به زانو درآورده و رفاه و امنیت آنان را تأمین کند. به مردم بگوئید که بختیار، اویسی دست های امپریالیسم امریکا هستند. به آنها بگوئید که تبلیغات رادپوهای آنان و وعده و وعیدهای شان دروغ است. برای مردم ماهیت بختیار و دیگر متحدان امپریالیسم را فاش کنید. به مردم بگوئید که چرا باید آنچه را که ما در سرمقاله کار شماره ۷۱ برشردیم، هرچه سریع تر تحقق یابد.

به مردم بگوئید آنچه تا به امروز گفته ایم، صحت خود را در عمل به اثبات رساند و آنچه را امروز می گوئیم، قطعاً فردا درستی خود را در عمل نشان خواهد داد.

نشریات سازمان را در سطحی هرچه وسیع تر به دست توده ها برسانید، در سازماندهی مبارزات توده ها فعالانه کوشش کنید!

امروز یک لحظه درنگ جایز نیست. امروز هر رفیقی به هر دلیلی، واقعیتهای موجود و نقش خود را درک نکند، به تمهیداتی که در برابر خلقهای قهرمان ایران و پرولتاریای جهان برعهده دارد، پشت کرده و به ضدانقلاب امکان داده است که صفوف خود را گسترده تر سازد.

امروز نمی توان هم خود را کمونیست دانست و هم در چنین شرایط حساسی از اجرای وظایف انقلابی خود شانه خالی نمود. توده ها فردا هیچ عذر و بهانه ای را نخواهند پذیرفت.

تاریخ، فردا در مورد آنان که واقعیات جامعه را عمیقاً باور نکرده و در عمل باور خود را نشان نداده باشند، قضاوت سختی خواهد نمود. " پس دست بکار شویم، رفقا! اوقات گرانبها را تلف نکنیم " امروز برای شکست ضدانقلاب، برای بسیج توده ها، برای سازماندهی پرولتاریا و برای به زانو در آوردن امپریالیسم " یک دنیا کار وجود دارد"

## مقامات جمهوری اسلامی

باید به مردم ایران توضیح دهند که:

### چرا و به دستور چه کسانی به کتاب فروشی ها یورش می برند

به قرار اطلاع عده ای از اوباشان و مزدوران زور دوشنبه ۲۷ مرداد به بعضی از کتابفروشی های اطراف دانشگاه حمله برده و ضمن مجروح کردن عده ای از کارکنان کتابفروشی ها و مشتری ها، کتاب ها را به غارت برده اند.

مقامات حکومت جمهوری اسلامی تاکنون ( عصر سه شنبه ۲۸ مرداد) در برابر این اقدامات ضدانقلابی و ضد مردمی سکوت کرده و عملاً از اوباشان و مزدوران حمایت می کنند.

ما ضمن محکوم ساختن این اقدامات عناصر اوباش و مزدوران، از همه هم میهنان می خواهیم هشدارنه در برابر اعمال اوباشان و مزدورانی که بدون تردید در راه خدمت به منافع امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن به این اعمال بی شرمانه دست زده اند، استنادگی کنند و به اوباشان و مزدوران اجازه ارباب و نهیدید مردم و به انفعال کشاندن مردم را به ویژه در شرایط بسیار حساس فعلی ندهند.

ما از مقامات جمهوری اسلامی مصرأ می خواهیم مواضع خود را در برابر حملات مزدوران بکتابفروشی ها روشن کنند و به مردم ایران توضیح دهند که چرا و به دستور چه کسانی منتی مزدور و قداره بند اجازه یافته اند به کتابفروشی ها حمله کنند؟

## انتشارات سازمان چریکهای

### فدائی خلق ایران (اکثریت)



مشتتر شد:

شورای یگاران  
۳۳ هزار و ۶۰۰ نفر

ماتیوف

علم انقلاب لینین

درباره تانکها

روانشناسی اجتماعی

چاپ دوم

یوشیف

۱-۱-۱۳۵۹

مساله یهود

۲-۱-۱۳۵۹

وظایف بین المللی حزب ما

لودوان

حزب و طبقه

استادی از کمیشن

انقلاب اکثریت، انقلاب ویتنام

ژون شین - لودوان

و حزب کمو نیست ایتالیا

جبهه متحد

کوزیو دیبیتروف

گزیده آثار

برون شین

علیه انحلال طلبی

۱-۱-۱۳۵۹

# بسیج مسلح توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست



بیراعون مناظره تلویزیونی  
نمایندگان گروهی از کارگران  
با مسئولین وزارت کار

وزیرکار: به علت فشاری که به ما وارد می‌شود، لغو این قانون فوریت داشت

# پرسیدنی است که وقتی کارگران مخالف این تصمیم هستند چه کسانی جز سرمایه داران عامل فشار بودند؟

این طرح بودند؟! یا کسانی که با زندگی واقعی کارگران سروکار دارند؟

مسئولین وزارت کار: این قانون دارای دامنه شمول نسبتاً محدودی هست و عده کمی از کارگران مشمول این قانون هستند. تعداد کل کارگرانی که مشمول این قانون می‌شوند، ۸۰۰ هزار نفر شاید هم کمتر باشد. این سست، چیزی حدود یک چهارم کل کارگران ایران است. اگر این قانون را لغو نمی‌کردیم، تبعیض (!) امسال قطعاً بیشتر می‌شد. آمار نشان می‌دهد مبلغی که در بخش خصوصی پرداخت می‌شود کمتر است از مبلغی که در واحدهای ملی شده و دولتی پرداخت می‌شود. تصویب لغو این قانون به نفع کارگران بخش خصوصی است بطور عموم (!) و یک مقدار

را باید به چه صورت معتقد کنیم... ما حتی مجبور شدیم به علت فشاری که به ما می‌آمد، چندبار اطلاعیه بدهیم و خواهش کنیم از کارگران و مسئولین کارخانجات که از انعقاد هرگونه پیمان خودداری کنند این مورد قبول عده‌ای قرار گرفت! ولی بلافاصله در اردیبهشت ماه این فشار بر ما باز این فشارگسترده‌تر می‌شد و مرتب مورد سؤال قرار می‌گرفتیم! بنابراین فوریت این امر بسیار حائز اهمیت بود. چندین بار تهدید شدیم که اگر این کار را نکند، ما خودمان قرارداد می‌بندیم. ما عجله نکردیم، آمار زیادی تهیه کردیم... ما آن وقت را نداشتیم که کنگره بگذاریم و با این قانون را به نظر خواهی بگذاریم.

قانون ۲۰٪ قسمتی از حقوق کارگران را از بین بردند و لغو کردند. این‌ها نه سود ویژه بلکه قسمتی از حقوق کارگران را لغو کردند. لغو این قانون تنها به نفع سرمایه‌داران صنایع خصوصی شده است که اکثر کارخانه‌های سوده هم همین کارخانه‌هایی است که در مالکیت خصوصی است. با لغو این قانون قسمتی از دستمزد کارگر پایمال شده و به جیب کارخانه‌دار و سرمایه‌دار ریخته می‌شود. ما با لغو آن مخالف نیستیم ولی نباید این سود به جیب سرمایه‌داران ریخته شود.



بلکه باید به روش صحیح، این حقوق حقه کارگران بدون فریب‌کاری به آنها پرداخت شود نه اینکه زیر پوشش "طاغوتی" بودن این قانون به نفع سرمایه‌داران لغو شود مسئله مهم این است که این مردمی که خون دادند، که انقلاب کردند را به حساب بیاوریم و مسائل را از دید آنها بررسی کنیم. در مورد سود ویژه با هیچ‌یک از شوراها اسلامی مشورت نشد

از بابت این قانون و نه از بابت سهم کردن، زیرا ما هیچ وقت معتقد نبودیم که این قانون قانونی است که کارگران را در سود واقعی کارخانه سهم کند... بنابراین ما پیشنهاد لغو آن را به شورای انقلاب دادیم. تصادفاً تنها قانونی بود که حتی با یک مخالف هم روبرو نشد. تمام اعضا حاضر رای موافق بر لغو این قانون دادند.

کارگر: اولین اعتراض ما به لغو این قانون این است که هیچ مشورتی با افرادی که در این مورد ذینفع هستند، نشده و اساس شورا را که همه ما معتقدیم، رعایت نکردند. در اذهان کارگران این هست که این طرح را احتمالاً آنهایی که قبلاً در وزارت کار بودند و خیلی‌ها می‌پندارند - شاید هم درست می‌پندارند - دوستار سرمایه‌داران هستند، تصویب کردند. این انتقاد به شورای انقلاب هم وارد است که بدون مشورت طرح را تصویب می‌کند. ثانیاً هیچ ضرورتی نمی‌بینیم که این قانون را ضرب‌الاجل به شورای انقلاب ببرند و لغوش کنند. هیچ

اعتراض ما به لغو سود ویژه به علت قبول آن نیست بلکه ما می‌گوئیم لغو این قانون در این شرایط کاهش بخشی از درآمد کارگران و به نفع سرمایه‌داران است. مسلماً ما سال‌های سال معترض بودیم اما مسئله اینجاست با توجه به اینکه مسئولین می‌گویند این طرحی که دادند جایگزین آن اصل نیست، لااقل برای سال ۵۹ که هست! چرا سود ویژه که جزئی از دستمزد کارگران است باید به سود سرمایه‌داران لغو شود؟ اساساً این مزایا، اگر احیاناً سود هست یا حق اولاد و غیره، این مثل آن مقدار شیری است که موقع دوشیدن گاو به پستان گاو می‌ماند تا بهتر بتوانند او را بدوشند!

"ما با هیچ سرمایه‌داری دوست نیستیم. سرمایه‌داران را دشمن خودمان می‌دانیم. اگر وزارت کار از ما دعوت هم می‌کرد برای مسئله سود ویژه، ما نمی‌رفتیم برای اینکه وقت‌گذرانی بود. بایستی می‌رفتیم آنجا می‌نشستیم و آنجا مسئله را مطرح می‌کنند، بعد نتیجه چیزی باشد که خودشان می‌خواهند!"

به ضرر افرادی که در بخش دولتی کار می‌کنند و از مزایای بالاتری برخوردارند. اما بطور متوسط در آمد این ۸۰۰ هزارکارگر نه تنها به نسبت ۵۸ کم نمی‌شود، بلکه مقداری هم بیشتر خواهد شد که آمار و ارقام اینجا نشان می‌دهد.

کارگر: ما با هیچ سرمایه‌داری دوست نیستیم. سرمایه‌داران را دشمن خودمان می‌دانیم. اگر وزارت کار از ما دعوت هم می‌کرد برای مسئله سود ویژه ما نمی‌رفتیم برای اینکه وقت گذرانی بود، بایستی می‌رفتیم آنجا می‌نشستیم و آنجا مسئله را مطرح می‌کنند بعد نتیجه چیزی باشد که خودشان می‌خواهند! در مورد سود ویژه مسئله تورم را پیش می‌کشند. با توجه به عوامل دیگری که باعث تورم می‌شود از قبیل سرمایه‌داران، بازار و هیچ مقامی در مملکت نتوانسته است مسئله تورم را حل کند، همه مسئله همین جاست که ما باید در مورد مسئله سود کارگر، مسئله تورم را در نظر داشته باشیم نه با توجه دادن به یک مشت ارقام، مسئله این است که آیا، این طرح را همان کسانی داده‌اند که از سال ۴۱ تا حالا گردانندگان و مجریان

وزیر: تمام برادران با لغو این قانون موافق هستند و تمام صحبت‌های‌شان مهر تأیید تصمیم شورای انقلاب است. این قانونی که طاغوتی بود... من تشکر می‌کنم از آنها و این بیانگر این است که اگرچه وزارت کار تا حد گسترده‌ای با شوراها اسلامی نداشته ولی کاری که انجام داده مورد تأیید آقایان بوده است (!!) اما یکی از برادران عنوان کرد، هیچ فوریتی نداشت. باید بگویم اینطور نیست... از اواسط فروردین ماه به ما مراجعه می‌شد و می‌گفتند که تکلیف ما چیست و پیمان سود ویژه

مسئله‌ای هم در بین کارگران تا این یکی دو ماهه به اسم سود نبود، می‌شد این مسئله را به مجلس برد. وزارت کار می‌توانست اگر ضرب‌الاجل می‌خواست کار کند، خیلی چیزهای دیگر بود که مورد رضایت کارگران بود، می‌توانست برای ماده ۳۳ تصمیم بگیرد که این همه، مایه دردسر نشود! سود ویژه را ما اصلاً قبول نداریم و این را جز حقوق حقه کارگران می‌دانیم. وزارت کار و شورای انقلاب با لغو این

وزیرکار: این قانون، قانونی نبود که در جهت اهداف انقلاب باشد، بنابراین وزارت کار افتخار این را داشت که بررسی در این زمینه بکند و طرحی را به شورای انقلاب ارائه دهد و این قانون را لغو کند. بنابراین در این قسمت همه با هم هم‌صدا هستیم اما در مورد مسئله بعدی، وزارت کار چندین ماه در مورد این مسئله بررسی کرد. آماری از سراسر کشور تهیه کرد و به استناد آن آمار و ارقام برای اینکه آن مبلغی را که کارگران

هنوز از دورانی که مهدی بازرگان "نخست‌وزیر محبوب ایران" در صفحه تلویزیون ظاهر می‌شد و با چرب‌زبانی به توجیه سیاست‌های "انقلاب برپاداده" خود و شرکایش می‌پرداخت. بیش از ۹ ماه نمی‌گذرد.

آن روزها نیروهای انقلابی و پیشاپیش آنها انقلابیون کمونیست که به حق در برابر سیاست‌های ضدکارگری و ضد انقلابی دولت بازرگان دست به افشارگری وسیع زده و برده از چهره بازرگان و شرکاء برمی‌داشتند، آماج حملات و تهمت‌های ناروای کسانی بودند که خود آنها امروز دولت بازرگان و سیاست‌های این دولت را به زیان انقلاب و در خط امریکا می‌دانند.

زبان خلق و در خط امریکا بوده‌است. عملاً بر حقانیت انقلابیون کمونیست اعتراف دارند، اما با این همه هنوز کینه‌توزانه به اتهام و تهمت - پراکنی و جعل حقایق علیه انقلابیون کمونیست، این سرسخت‌ترین دشمنان امپریالیسم و بهترین و فداکارترین مدافعان کارگران و زحمتکشان ادامه می‌دهند. هنوز در پرتو سیاستی که

"من هر روزی که از این انقلاب می‌گذرد، بیشتر توجه به این معنی پیدا می‌کنم که ملت ما انقلابی عمل کردند و ما نکردیم. ما یا مقصریم یا قاصر و در هر دو جهت در پیشگاه ملت جواب باید بدهیم. مردم همانطور که می‌دانند، ریختند در خیابان‌ها و این جرثومه فساد را بیرون کردند و به پیروزی نسبی رسیدند. وقتی که امر

نوشته است: "از طرف امام نیز آنچه در مصاحبه‌های قبیل و بعد از ورود به ایران اعلام شده بود احترام به آزادی و حقوق کلیه افراد و گروه‌ها در حدود قانون و عدالت تا حد عدم مزاحمت و سلب امنیت بود. هم چنین در مورد کشورهای خارجی تصریح فرموده بودند که به شرط عدم دخالت آنها در امور و رعایت حقوق

اعتراضات کارگران و کاهش ساعت کار آنها و با شوراهای پرسنل انقلابی به شدت مخالفت می‌کرد. او وقت و بی‌وقت علیه نیروهای که از آرمان زحمتکشان حمایت می‌کردند، از حقوق دمکراتیک توده‌ها دفاع می‌کردند. به تبلیغات بی‌شرمانه دست می‌زد اما تا می‌توانست از آزادی فئودال‌ها و خوانین علیه دهقانان و از آزادی سرمایه‌داران علیه طبقه کارگر قهرمان ایران حمایت می‌کرد از آزادی گروه‌های جنایتکار ارتش که اخیراً برخی از آنها به جوخه اعدام سپرده شدند حمایت می‌کرد، از آزادی هیولاهای و نصیری‌ها حمایت می‌کرد و با بی‌شرمی بر دریائی از خون شهیدان خلق زورق خیانت‌پیشه‌گی را به جانب امپریالیسم و امریکا به پیش می‌راند. او جاسوسان رسوائی چون امیرانتظام را مأمور تحکیم روابط ایران و امریکا ساخت و این در حالی بود که کمیته پشت سفارت امریکا که زیر نظر مستقیم جاسوسان امریکائی اداره می‌شد، در زمان نخست‌وزیری بازرگان، آزادانه به شکار نیروهای انقلابی و آزادیخواه می‌پرداخت.

بازرگان در زمان نخست‌وزیری‌اش به آشکارترین وجهی نشان داد که در فرهنگ او "آزادی گروه‌ها" یعنی آزادی سرمایه‌داران، عوامل امپریالیسم امریکا، ساواکی‌ها و نظم و انضباط یعنی سرکوب آزادی مردم، یعنی سرکوب شوراهای کارگران، جلوگیری از دخالت مردم در امور خود و اطاعت سربازان و درجه‌داران از فرماندهان مزدور ارتش شاه. باید گذاشت لیبرال‌ها از بازرگان گرفته تا بختیار که جلگی یک هدف را دنبال می‌کنند، امروز زیر پوشش شعارهای دروغین عوام‌فریبی کنند. بازرگان در همین نامه خود نشان می‌دهد که مقصود او از "آزادی"، "آزادی" امیر انتظام‌ها، مدنی‌ها، تیسامرحققی‌ها و غیره است او خود نشان می‌دهد که مقصود او از "آزادی"، "آزادی" سرمایه‌داران علیه کارگران و زحمتکشان است. او می‌گوید که نخستین بار کمونیست‌ها علیه او به

مقابل خواهان برقراری روابط اقتصادی و سیاسی معقول هستیم. بازرگان و شرکاء همواره زیر همین شعار "عدم دخالت آنها در امور و رعایت حقوق متقابل" کوشیده‌اند روابط ایران را با امپریالیسم امریکا که هرگز نمی‌تواند بر اساس عدالت و حقوق متقابل باشد، حفظ کنند. بازرگان و شرکاء در گذشته به‌ویژه در زمان دولت موقت همواره می‌کوشیدند این توهم را در توده‌ها ایجاد کنند که می‌توان با امپریالیسم امریکا این بزرگ‌ترین نیروهای غارتگر جهان و این خطرناک‌ترین دشمن خلق‌های ایران بر اساس عدالت روابط برقرار کرد. آنها غافل از آن بوده و هستند که مردم ما به یاد دارند که رژیم شاه سیر همواره سلطه امپریالیسم امریکا را زیر پوشش "عدم دخالت در امور یکدیگر و روابط متقابل" توجیه می‌کرد بسیاری از مردم ما امروز می‌دانند که هرگز میان گرگ و میش نمی‌تواند دوستی و روابط متقابل باشد و اما در مورد آزادی و حقوق کلیه افراد و گروه‌ها در حدود قانون، باید خاطر نشان سازیم که تا آنجا که به حقوق کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی مدافع آنها باز می‌گردد، بازرگان و شرکاء از بزرگ‌ترین دشمنان آن هستند. بازرگان در زمان نخست‌وزیری‌اش همواره با شوراهای کارگران و دهقانان، یا هرگونه

دست ماها افتاد هیچ‌کدام انقلابی عمل نکردیم و اگر چنانچه ما تجربه داشتیم یعنی یک انقلابی کرده بودیم از بین رفته بودیم، یک انقلاب کرده بودیم، اینطور عمل نمی‌کردیم. ما با بی‌تجربگی آن کارهای انقلابی که باید در اول انقلاب بشود، با مسامحه گذرانیدیم و آن مسامحه موجب شد که این گرفتاری‌ها را تا حالا پیدا کردیم و از این به بعد هم داریم مگر اینکه انقلابی جبران کنیم... لهدا از اول که ما به حسب الزامی که من تصور می‌کردم، دولت موقت را قرار دادیم، خطا کردیم از اول باید یک دولتی که قاطع باشد و جوان باشد و قاطع باشد، بتواند مملکت را اداره کند، به یک دولتی که بتواند اداره کند، منتها ما آن وقت فردی را نداشتیم که بتوانیم آشنا نبودیم بتوانیم انتخاب کنیم. انتخاب شد و خطا شد... مهندس بازرگان در نامه سرگشاده به آیت‌الله خمینی با زیرکی تمام و به روال همیشگی‌اش کوشیده است خود و شرکایش را عناصری آزادی‌خواه که در پی دفاع از آزادی‌های سیاسی مردم هستند، جا بزند و درست با توجه به این واقعیت که میلیون‌ها ایرانی هم‌اکنون علیه محدودیت آزادی‌های سیاسی و سایر حقوق دمکراتیک به شدت معترضند تلاش کرده است برای خود در میان مردم جا باز کند. بازرگان در این نامه چنین

آزادی‌های سیاسی را محدود ساخته، سانسور و جعل حقایق را بر روزنامه‌ها اعمال کرده، حقوق ملی خلق کرد و سایر خلق‌ها را به همراه بسیاری دیگر از حقوق دمکراتیک توده‌ها پایمال ساخته و می‌سازد. بازرگان و شرکاء فرصت می‌یابند این توهم را در بخش‌هایی از توده‌ها دامن زنند که لیبرال‌ها، این دوستان وفادار امپریالیسم چندان گناهکار نیستند و حتی این دوستان و جاسوسان امپریالیسم می‌توانند مشکل - گشای دشواری‌هایی باشند که امپریالیسم به وجود آورده آن است.

بازرگان پس از مدتی سکوت اخیراً فرصت را غنیمت شمرده و با آگاهی از ناراضی‌هایی که دولت موقت بیشترین زمینه آن را فراهم ساخته است، بار دیگر تلاش دارد در چهره‌ای "ملی" و با بهره‌برداری از سیاست‌های کنونی حکومت جمهوری اسلامی، مردم را به سیاست‌های ضد مردمی لیبرال‌ها جلب کند.

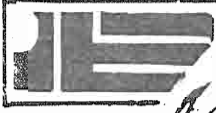
اخیراً آیت‌الله خمینی در نطق ۲۹ تیرماه خود صریحاً اعتراف کردند که انتخاب اعضای دولت موقت برخطا واقع شد و آنها انقلابی نبودند. آیت‌الله مشکینی نیز با صراحت به دولت موقت حمله کرد و خواستار آن شد که اعضای دولت موقت محاکمه شوند.

آیت‌الله خمینی در سخنرانی ۲۹ تیر چنین گفت:

### بازرگان

## توطئه‌های جنایتکارانه امپریالیسم امریکارا «توطئه فرضی» می‌خواند

گسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا



نان و زخم زخمی‌ها  
دروسی بگیریم  
(قسمت آخر)



# ... و بدینسان ترکمن صحرا، سرزمین حماسه و شورا شد

دیررفت و یک بار دیگر قدرت شکست  
صراحت‌بیاں با توده‌ها را نشان داد.  
حدود ۳ ماه پس از جنگ، رفقا  
موفق شدند ارتباطی کفایت عمیق‌تر از  
گذشته با توده‌ها برقرار سازند، آنان  
را عملاً در تمامی اعیاد و مبارزه  
بگنجانند، تا آنجا که ممکن است کارها را  
به خود آنان واگذارند و در حال  
حاضر علیرغم صراحت ناشی از جنگ،  
تشکیلات منطقه در رابطه با مسائل  
مشخص مبارزاتی زحمتکشان و با سبب  
بسیار مشکلم‌تر از گذشته سازاری شده  
است، آزاری در تشکیلات کنترل شده

لافاصله پس از عقب‌نشینی دو  
هفته زیر در پیش گرفته شد:  
۱- رفقا هرچند در سطحی محدود  
با توجه به درجه آسیب‌پذیری در برابر  
بورش احتمالی نیروهای سرکوبگر،  
روحیه زحمتکشان را سازاری و تقویت  
سوده، اعتماد آنها نسبت به فرزندان  
انقلابی‌شان - پیوند انقلابی با توده‌ها -  
را افزایش داده و مانع اثرگذاری  
تبعیعات سوئی می‌شدند که تلاشی ستاد  
و ارگان‌های وابسته به آن را هدف  
قرار داده بود.

تجارب خلق ترکمن و خلقهای سراسر ایران نشان می‌دهد که تنها با پرورش  
انقلابی زحمتکشان است که می‌توان به پیش تاخت، تجزیه خلق ترکمن به خوبی  
نشان می‌دهد که باید درکنار توده‌ها و پیشاپیش آنها بود. نه می‌توان در مقابلشان  
قرار گرفت یا به‌دنیاشان دوید، آن‌گونه که شیوه اپورتونیزم راست است و نه  
می‌توان به فاصله سال‌ها پیشاپیششان دوید و در عمل در مقابل آنها و در ستیز با  
آنها بود، همان‌گونه که اپورتونیزم چپ می‌خواهد.  
تجربه خلق ترکمن یکباردیگر نشان می‌دهد که باید با برنامه مشخص، با  
استراتژی و تاکتیک معین، همراه توده‌ها و پیشاپیش آنها، متکی بر انرژی و خلاقیت  
انقلابی‌شان شرایط را برای آن که هرچه با شکوه‌تر "به‌فلک یورش" برند، هموار  
نمود.

میزان حضور رفقا در روستاها و  
ارسطاشان با توده‌ها به نحو چشمگیری  
افزایش یافته است. تصمیمات کنونی  
به اعتبار پایه بوده‌ای گسترده‌تر، از  
مسای عیبی‌بری سبب به گذشته  
برحوردار است. سازماندهی تمام  
بخش‌ها بر اساس مضمون فعالیت عمده  
منطقه معنی شکل و سازماندهی سیاسی  
دهقانان و هدایت و ارتقاء مبارزات  
آنها انجام پذیرفته است و ایسمه را  
توجه به آثار و عواقب جنگ، با توجه به  
فضای اخنایقی که تا حدود یک ماه و نیم  
سازاری در جنگ بر منطقه حاکم بود و نیز با  
توجه به کوشش رفقا در جهت دستیابی  
به اصولی‌ترین اشکال سازماندهی و باز  
آموزی از گذشته و ارزیابی اشتباهات در  
رابطه مشخص و عملی با مبارزه جاری در  
منطقه، جامعه عمل به خود پوشید و طبعاً  
با افت و خیزهایی در منطقه همراه  
بود.

۲- حضور انقلابیون در  
روستاها بدون تردید به گوش ارتش،  
باصداران و سایر مقامات حکومتی خواهد  
رسد و با توجه به نیروی توده‌ای عظیم  
ستاد شوراها و رشد گرایش‌های ملی در اثر  
جنگ - که نفس سیخ‌کننده‌ای بازی  
می‌کرد - معادل نیروی بدمی آورد و  
ارگان‌های سرکوبگر را از هجوم به  
روستاها باز می‌داشت. حضور مستقیم در  
روستاها و مطالعه باسرات جنگ بر  
روحیات مردم، خیلی سریع یادرسی  
نظر رفقای را که معتقد بودند می‌بایست  
یک سری عملیات نظامی ایدائی به  
مظور تقویت روحیه مردم در پیش گرفته  
شود، نشان داد. اتخاذ تاکتیک‌های  
ادائی از طریق گسترش دامنه جنگ به  
روستاها، امر سازماندهی مبارزات  
سیاسی و اعراضی توده‌ها را زیر صره  
قرار می‌داد و از این طریق باسرات  
مخربی بر روحیات آنها باقی می‌گذشت  
در این مقطع عملیات درونی توده‌ها  
باعث گسترش نیابعی حول و حوش  
عملیات مشعش چریکها در شهر و با  
کنش شدن عداد زیادی باسداران  
ارتشی گردید، لیکن رفقا این ثابعات  
مقاله کردند و دساله‌روی کورگورانه  
روشفکران انقلابی از عملیات توده‌ها  
را زیر صراحت سخت گرفتند هر چند  
این مسئله در تشکیلات رضایتی‌هایی  
را بیش آورد. ولی صحت آن بعدها  
به وضوح ثابت شد و تمامی سوء تفاهمات  
قبلی را برطرف نمود. تا آنجا که ممکن  
بود مسائل برای توده‌ها توضیح داده  
می‌شد. علل جنگ، عقب‌نشینی و ...  
تشریح می‌گردید، نمایان آنان در  
سمت و سویی منطقی جهت داده می‌شد  
با گرایش‌های نشرو برای جانشین نمودن  
مبارزه‌خود. بجای مبارزه توده‌ها مقاله  
به عمل مایند این ایده در میان  
زحمتکشان بلع می‌گردید که مبارزه  
فقط و فقط در صورت ترک عملی آنها  
به سرزوی دست خواهد یافت. با  
فهرمان بزوری‌ها مبارزه شد و علیرغم  
علاقه و احترام خاص زحمتکشان منطقه  
به رفقا تمام تلاش بر آن بود که چهره‌ای  
واقع‌ای فدائی برسیم کرد و تصورات  
عسر واقعی و ذهنی از ادهان توده‌ها  
ردوده بود. تمامی این حرکات در یک  
رویه اسفاد و صحیح خطا انجام

دست باید و سوار بر ضرورت مبارزات  
خلق ترکمن، آن را در جهت آمده‌ای  
مشخص و معلوم هدایت کند، نه بیان  
ماوقع پرداخته است و این به هیچ‌وجه  
کافی نیست. لیکن همین گزارش‌گوش  
دستماهای غنی برای شاحد  
قانونمندی‌های مبارزه طبقاتی در  
روستاها می‌بماند، چگونگی رابطه  
اقتدار و طبقات مختلف روستا در  
پروژه مبارزه عملاً جاری، موقعیت  
اجتماعی، پتانسیل انقلابی و عملکرد  
هر قشر و طبقه، میزان رسد عصر  
سوسیالیستی در مبارزات دهقانی،  
درجه تکامل دمکراتسم در مبارزات  
دهقانی و ... ارائه می‌کند. با  
که ایده‌های سفته در این تجربه را  
اگرچه به اشکال جنبی و نقطه‌ای خود  
را بنمایاند، کشف کرد، نشور  
نمود، تکامل داد و در راستای ایجاد  
شرایط تحقق هرچه سریع‌تر آنان بیس  
رفت. واضح است که این خود به  
مغای تطوین خط و برنامه‌ای است که  
چهارچوب کلی، سمت و سواهدات  
کوتاه مدت و درازمدت مبارزه دهقانی  
را مشخص می‌کند. خط و برنامه‌ای که  
خود جزئی از یک برنامه عمومی و  
سراسری مبتناه تجسم کاربست خلاق  
مارکسیسم-لنینیسم در شرایط خاص  
ایران خواهد بود.

گرفت زحمتکشان در اکثر موارد یا در  
انتخابات دوازه اساسا شرکت نکردند  
و یا در صورت شرکت همان اعضای قدیمی  
شورای خود را انتخاب نمودند. پس از  
عدم موفقیت این سیاست، جهاد برای  
متکی نمودن شوراها به خود، مسئله  
وام‌های زراعی و سیر اعطای وام برای  
امور جاری را مطرح نمود. قابل تذکر  
اینکه وام‌های فوق در جهت ایجاد تفرقه  
در میان زحمتکشان زابلی و ترکمن، اکثراً  
به زابلی‌ها اختصاص داده می‌شد. البته  
تعدادی از شوراها نیز این وام‌ها را  
مورد استفاده قرار دادند.

اینک در ترکمن صحرا، شوراها دهقانی  
استوار برجای مانده است. مبارزه  
دهقانان ترکمن صحرا در مسیری  
آگاهانه‌تر به پیش می‌رود و پیوندهای  
استواری بین انقلابیون و زحمتکشان  
ترکمن صحرا پدیدار شده است.  
جنبش دهقانی ترکمن صحرا علیه  
زمین‌داری بزرگ، به‌حق پرچمدار جنبش  
دهقانی ایران است و اکنون رفته رفته  
تجارب زحمتکشان ترکمن صحرا در میان  
دهقانان و زحمتکشان سراسر ایران راه  
باز می‌کند.

اینک هر خوشه زرین گندم بر  
بیکران سینه گندم‌زاران پرحاصل، اینک  
هر شاخه بر بار نشسته بر دامن  
گسترده صحرا، اینک هر  
پروصلاحت برچهره پیر ترکمن، اینک هر  
آنچه کار و زندگی است از تجارب و  
دستاوردهای مبارزه این خلق می‌گوید،  
ترکمن صحرا بدین‌سان سرزمین مبارزه  
و حماسه شد.

گزارش‌گونه‌ای که در چند شماره اخیر به  
انعکاس افت و خیزهای این مبارزه  
اختصاص داده شد، بی‌شک به هیچ‌روی  
حق بررسی همه‌جانبه، ریشه‌ای و از آن  
طریق استنتاجات علمی درجهت هموار  
سودن راه آینده را ادا نمی‌کند.  
مقالات فوق پیش از آنکه به تعمق بر  
نکات پراهمیت و گاه حیاتی تجربه  
خلق ترکمن بنشیند، پیش از آنکه از  
سودها درگذرد، به شناخت قانونمند  
آنچه که در ترکمن صحرا گذشته است،

مدتی پس از پایان جنگ، باسداران از  
آنجا که به اصطلاح در گنبد پیروز شده  
بودند، با همکاری دادستان گنبد نقش  
فعال در سیاست منطقه پیدا کردند،  
لیکن گسترش رضایتی و مبارزات  
زحمتکشان و نیز تقابل سیاست کلی  
بسی‌صدر با عملکرد گسترده سیاه  
باسداران و خط‌وی دایر بر محدودیت  
هرچه‌بیشتر حوره عمل سیاه که در  
سخنرانی‌اش در گنبد سیز مورد تأکید  
قرار گرفت زاندازری قدرت بیشتری  
در منطقه پیدا کرد. هرچند به اعتبار  
آگاهی و تشکل توده‌های ترکمن حوره  
اثر و فعالیت آن محدود بود.  
در این رابطه نقش اختلاف بین  
زاندارم‌ها و سایر ارگان‌ها نظیر سیاه  
باسداران و جهادسازندگی را نیز  
نمی‌بایست نادیده گرفت  
پس از کنار رفتن باند دادستان  
گنبد (کیانی) که با همکاری سیاه  
باسداران سیاست سرکوب و فشار را  
در پیش گرفته بود، جهاد سازندگی  
که با بخشی از باسداران حامی "کیانی"  
بر سر چگونگی سیاست‌های‌شان اختلاف  
داشتند، انجام اقدامات عمرانی در  
منطقه را برعهده گرفتند. جهاد  
سازندگی سیز در روستاها سیاست  
تحدید انتخابات شوراها را در پیش

در این مقطع عملیات درونی توده‌ها  
باعث گسترش نیابعی حول و حوش  
عملیات مشعش چریکها در شهر و با  
کنش شدن عداد زیادی باسداران  
ارتشی گردید، لیکن رفقا این ثابعات  
مقاله کردند و دساله‌روی کورگورانه  
روشفکران انقلابی از عملیات توده‌ها  
را زیر صراحت سخت گرفتند هر چند  
این مسئله در تشکیلات رضایتی‌هایی  
را بیش آورد. ولی صحت آن بعدها  
به وضوح ثابت شد و تمامی سوء تفاهمات  
قبلی را برطرف نمود. تا آنجا که ممکن  
بود مسائل برای توده‌ها توضیح داده  
می‌شد. علل جنگ، عقب‌نشینی و ...  
تشریح می‌گردید، نمایان آنان در  
سمت و سویی منطقی جهت داده می‌شد  
با گرایش‌های نشرو برای جانشین نمودن  
مبارزه‌خود. بجای مبارزه توده‌ها مقاله  
به عمل مایند این ایده در میان  
زحمتکشان بلع می‌گردید که مبارزه  
فقط و فقط در صورت ترک عملی آنها  
به سرزوی دست خواهد یافت. با  
فهرمان بزوری‌ها مبارزه شد و علیرغم  
علاقه و احترام خاص زحمتکشان منطقه  
به رفقا تمام تلاش بر آن بود که چهره‌ای  
واقع‌ای فدائی برسیم کرد و تصورات  
عسر واقعی و ذهنی از ادهان توده‌ها  
ردوده بود. تمامی این حرکات در یک  
رویه اسفاد و صحیح خطا انجام



جنبش کارگری ایران

هزاران کارگر گیلانی، اخراج کارگران مبارز و آگاه راه تحت شعار (پاکسازی) صورت گرفته است، محکوم کردند در صفحه ۱۵

کارگران شرکت موتورین قسم نمی گذاریم حق مان را بیش از این پایمال کنند در صفحه ۲

بررسی اعتصاب ۵۵ روزه کارگران صنایع فولاد اهواز (۲۵ دی ماه ۵۸ تا فروردین ماه ۵۹) در صفحه ۱۲

# چرا شورای کارخانه دیسمان منحل گردید؟

اتحاد و تشکل کارگران حول این شعار تحکیم نماید و دولت را بطور جدی وادارد که برخوردی مسئولانه در برابر کارکنی ها و اختلالاتی که کارفرما و عواملش در امر تولید و راه اندازی کارخانه می کنند، از خود نشان دهد.

ثانیا، شورای کارخانه برخلاف رویه ای که در ابتدا در پیش گرفته بود، یعنی با تماس مستقیم و مستمر با کارگران (روزی نیم ساعت) مسائل و مشکلات کارخانه را با آنان در میان می گذاشت، در ۲۰ روز آخر حیات خود از این امر مهم غافل شده بود و آن چنانکه باید به این ارتباط مستمر و تبادل نظرهای ضروری در شرایط حساس توجه نداشت. این مسئله به نوبه خود در محروم ماندن شورا از حمایت فعال، متشکل و یکپارچه کارگران موثر افتاد و موجب شد که تبلیغات سوء و سم پاشی های عوامل کارفرما علیه شورا، تاثیرات مخربش را بگذارد. کارگران کارخانه دیسمان باید با درس گرفتن از تجربه مبارزاتی اخیرشان و با صفوفی متحد و یکپارچه در جهت تحکیم تشکل شورائی و با شعار ملی کردن کارخانه و کوتاه کردن دست سرمایه دار از کارخانه به مبارزه شان ادامه دهند.

درگیر مبارزه با فشار و محاصره امپریالیستی می داند، پس این چه سیاستی است که نعل وارونه می زند و در مقابل مبارزه کارگران و شوراها علیه کارکنی های سرمایه داران می ایستد و به انحلال شورای کارخانه که سلاحی ضروری برای بی اثر کردن توطئه های امپریالیستی است، حکم می دهد؟ دست نیروها و عوامل سرمایه دار باید از حریم کارخانه ها کوتاه شود. پاکسازی انقلابی عناصر مزدور و وابسته به امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران باید بیش از پیش گسترش یابد و سیاستی که دست این گونه عوامل را در توطئه چینی های ضد کارگری و ضد شورائی باز می گذارد، باید بیش از پیش به وسیله شوراها افشاء گردد. در این میان آنچه که بیش از همه به شورای کارخانه دیسمان مربوط می شود، پاره ای اشتباهات است که شورا طی مبارزات اخیرش داشته است:

توده های کارگران و زحمتکشان است، خود یکی از عوامل مهم تشدید اختلال در تولید و عملا در جهت اهداف امپریالیسم و ایادی آن قرار دارد. در برابر این سیاستها و اقدامات ضد کارگری و ضد انقلابی، شورای کارخانه دیسمان با اقدام قاطع و انقلابی اش در امر راه اندازی کارخانه و افزایش بهره وری تولید (به میزان دو برابر) توطئه های کارفرما را یک به یک خنثی و بی اثر ساخت. همان گونه که در کنار ۶۹ متذکر شدید، کارگران دیسمان با اقدامات قاطعانه خود نشان دادند که اداره واحدهای تولیدی با نظارت و شرکت مسئولانه شوراها و کارخانه نهنه اختلال و رکود در تولید را دامن نمی زند بلکه شرط ضروری مبارزه با تحریم و محاصره اقتصادی امپریالیسم بوده و گام موثری است در جهت مبارزه علیه وابستگی اقتصادی به امپریالیسم. کارگران مبارز دیسمان می پرسند که اگر دولت جمهوری اسلامی خود را

اجازه بازگشت برسر کار داده نمی شود. پس از آن عوامل کارفرما که خود را زیر پوشش انجمن اسلامی پنهان ساخته بودند با ایجاد فضای اختناق و به راه انداختن تفتیش عقاید در کارخانه، جلوی هرگونه اعتراضی از جانب کارگران را می گیرند. آنها شروع به جمع آوری امضاء برای بازگرداندن عناصر ضد کارگری که قبلا توسط شورا اخراج شده بودند، نموده و دو نفر از تصفیه شده ها را باز می گردانند. بدین ترتیب مسئولین و نهادهای دولتی نظیر اداره کار که نمایندگانش در تمام مدت حضورشان در این کارخانه جز کارکنی و توطئه علیه کارگران و تشکل و اتحادشان و وظیفه های نداشتند، با اعلام انحلال شورا یکبار دیگر نشان دادند که از منافع چه کسانی دفاع می کنند. آنها نه تنها علیرغم درخواست های مکرر کارگران و شورا، هیچ حمایتی از تلاشها و اقدامات انقلابی شورا در به راه انداختن کارخانه نکردند بلکه حتی علنا به حمایت از کارفرما و عواملش برای متلاشی ساختن تشکل کارگران دست زده و راه را برای اقدامات ضد کارگری و ضد شورائی بعدی شان باز گذاشتند. آن هم در شرایطی که کارفرما به بهانه های مختلف مانع از ورود مواد اولیه و گردش چرخ تولید شده و عملا کارخانه را به تعطیلی کشانده بود. هرچند عوامل امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران عامل اصلی اختلال در امر تولید هستند، ولی باید تاکید کرد سیاستی که خواهان از هم پاشاندن شوراها و تشکل های

پس از آنکه شورای کارخانه دیسمان اداره تولید و بهره وری این واحد را به دست گرفت توطئه های کارفرما و عواملش برای از هم پاشاندن تشکل کارگران هم چنان ادامه یافت. عوامل کارفرما حتی برای این منظور دو روز قبل از شروع ماه رمضان اقدام به تشکیل انجمن اسلامی در کارخانه کردند تا از تحریک احساسات و عواطف مذهبی کارگران نیز در جهت اهداف ضد کارگری خود استفاده کنند. مهندس مدرس، کیانی، فرهنگ محمدزاده و... (هیئت موسس این انجمن) همگی چهره های شناخته شده ای برای کارگران این کارخانه هستند. در آغاز ماه رمضان هنگامی که عده ای از کارگران نامهای به قم نوشته و تقاضای اعزام یک روحانی را برای ماه رمضان می کنند و این موضوع با موافقت و تأیید شورا نیز روبرو می شود. کیانی (سردسته مزدوران کارفرما) در زیر نامه کارگران شرحی بدین مضمون که شورای کارخانه ضد اسلامی است و با این کار مخالف است را اضافه می کند. شورای کارخانه هم برای خنثی کردن این توطئه، مجمع عمومی را دعوت نموده و با افشاکاری های خود مشت کارفرما و عواملش را باز می کند. به دنبال افشاکاری کارگران عوامل مزدور کارفرما با همکاری اداره کار، توطئه دیگری را علیه شورا و کارگران تدارک دیدند که به دنبال آن ۳ نفر از اعضای شورا و دو کارگر دیگر کارخانه توسط پاسداران دستگیر و زندانی می شوند. و هم چنین شورای کارخانه توسط یکی از دو نماینده اداره کار که از مدتی قبل بنا به تقاضای خود کارگران برای رسیدگی به مسائل آنان به کارخانه آمده بود، غیرقانونی و منحل اعلام می شود. اگرچه ۵ کارگر زندانی پس از دو روز آزاد می شوند ولی به آنها

**نامه یک کارگر**

**در روزنامه «کار» بنویسید که:**

**«کارگر متحد همه چیز، کارگر پراکنده هیچ چیز»**

ما کارگران شرکت یکان (آذرشهر تبریز) که جمعا ۶۰ نفر هستیم و از سال ۵۳ به کار در این شرکت مشغولیم، با اتحاد و یکپارچگی خود توانستیم به یکسری از خواسته هایمان برسیم. حال بطور خلاصه شرحی از مبارزاتمان برایتان می دهیم:

کارفرماهای شرکت یکان سه نفراند که دونفرشان در امریکا و اسرافیل هستند و نفر سوم که نامش محمد ناغین زاده است، در تهران زندگی می کند. این شیخ چندماه قبل (دور از چشم کارگران) اقدام به فروش دستگاه های شرکت کرده بود و می خواست بعد از فروش آنها (که به بیکاری ما می انجامید) به خارج و نزد شرکای دیگرش برود. ولی این اقدام ضد کارگری وی با هشجاری کارگران خنثی شد. ما فکر کردیم چون ۹۵٪ کار شرکت به پایان رسیده و به زودی بقیه در صفحه ۱۵



به وسیله کانون هماهنگی شوراهای اسلامی (خانه کارگر) کارگران و شوراهای باید با همبستگی و پیگیری انقلابی شان به تک تک موارد و مواد این طرح های پیشنهادی با دیدی انتقادی و موشکافانه برخورد کنند و آنچه را که منطبق با منافع کارگران و انقلاب است، از آنچه که ضد کارگری و ضد انقلابی است به دقت متمایز کرده و در جهت تدوین قانون کار و متناسب با ظرفیت انقلابی جنبش کارگری و ضد امپریالیستی ایران وظایف خطیرشان را به انجام رسانند.

همچنان که در گذشته نیز متذکر شدیم (در مقاله بررسی انتقادی قانون کار کنگره های دوم و سوم شوراهای اسلامی) مسائلی از قبیل سودویزه، اضافه کاری پاداش و عیدی سالانه، بازنشستگی و... همه از متفرعات و اجزاء دستمزد و حقوق کارگران محسوب می شوند و باید همراه با آن و به عنوان اجزاء مزد مورد بررسی قرار گیرد. در تدوین قانون کار جدید، کارگران باید توجه داشته باشند که همه اجزاء مزد را که ظاهراً به صورت درآمدهای فوق العاده (مزایا) مطرح بوده و هستند، به عنوان مزد و حقوق رسمی کارگران محسوب کنند و باید در تدوین مواد مربوط به دستمزد و مزایا در قانون کار جدید بر آن تاکید شود و "سودویزه" را نیز جزء دستمزد به حساب آورند تا فرصتی جهت عوام فریبی طبقه سرمایه دار باقی نگذارد.

بیشترین تلاش و انرژی انقلابی کارگران باید مصروف تدوین قانون کار جدید گردد چه قانون کار مشتمل بر پایه های ترین صوابط ناظر بر رابطه بین کارگر و کارفرماست و بطور اساسی تری می تواند مسئله سودویزه و دیگر حقوق و منافع اقتصادی کارگران را پاسخ گوید.

شوراهای کارخانه ها اکنون بیش از هر زمان دیگری موظف اند به انگای اعتماد توده ای کارگران و برمسای منافع و اراده آگاهانه شان، در جهت تدوین قانون کاری گام بردارند که در خور دستاوردهای انقلابی کارگران باشد.

## مجلس شورای اسلامی باید مصوبات ضد کارگری شورای انقلاب را لغو کند

کارگران و زحمتکشان و شوراهای شان بطور یکجانبه و خودسرانه هر تصمیمی بگیرند و انتظار داشته باشند که با واکنش های انقلابی و توده ای زحمتکشان مواجه نگردند.

امروز باید شوراهای کارگری در لغو مصوبات گذشته و تدوین قوانین جدید سهم و نقش غیرقابل انکاری بر عهده گیرند.

۲- پس از لغو قوانین ضد کارگری جدید و قدیم به وسیله مجلس شورای اسلامی کارگران و شوراهای نباید به امید مجلس شورای یا وزارت کار بشینند و منتظر تصویب نامه های آتی آنان در مورد مسائل و مشکلات کارگری (از سودویزه گرفته تا تامین اجتماعی و...) شوند بلکه باید با شرکت فعالانه خود از طریق نمایندگان واقعی شان در جهت تدوین قانون کار جدید، سهم ارزنده شان را در تعیین سرنوشت خود و جنبش کارگری، بیش از پیش ادا نمایند.

پس از اعلام نظر فعالانه شوراهای در مورد قانون کار و... است که مجلس شورای اسلامی به عنوان مرجع قانون گذار باید به تصویب سبائی مواد مطروحه بپردازد هم اکنون دو پیش نویس در مورد قانون کار جدید در شرف تدوین است. یکی به وسیله وزارت کار و دیگری

مستولیت لغو آن نیز به عهده مجلس شورا است که اکنون (پس از انحلال شورای انقلاب) بالاترین مرجع مقننه کشور محسوب می شود. کارگران باید از طریق شوراهای شان این واکنش های انقلابی وسیع را به اعتراضاتی منطقی و سازمان

کارگران و زحمتکشان که نقش درجه اول در سرنوشتی رژیم شاهنشاهی داشتند، بدون تردید دیگری گذارند بدون دخالت آنها قوانینی وضع شود. امروز باید شوراهای کارگری در لغو مصوبات گذشته و تدوین قوانین جدید، سهم و نقش غیرقابل انکاری بر عهده گیرند.

یافته مبدل کنند و از طریق شوراهای یا برخوردی مسئولانه با مصوبات ضد کارگری گذشته به مبارزه برخیزند.

کارگران و زحمتکشان که نقش درجه اول در سرنوشتی رژیم شاهنشاهی داشتند، بدون تردید دیگر می گذارند بدون دخالت آنها قوانینی وضع شود.

ارگان های رسمی قانون - گذاری مثل شورای انقلاب (در گذشته) و مجلس شورای اسلامی (در حال حاضر) به هیچ وجه نباید بدون توجه به آراء و نظریات توده های

نفس قانون سود ویژه بیانگر یکی از انواع فریب کاری های سرمایه دار است و نمی تواند اساساً مورد تأیید کارگران آگاه و انقلابی باشد ولی واقعیت آن است که خود همین مبلغ ناچیز، بخشی از درآمد اندک کارگران را تشکیل می دهد. در شرایطی که تورم و گرانی بیش از همه بر طبقه کارگر فشار می آورد و دولت قادر به تثبیت قیمت ها نیست، حذف این مبلغ از درآمد، تعرضی آشکار به حقوق و منافع کارگران بوده و چیزی جز دامن زدن بیشتر به بحران اقتصادی نیست. از این رو کارگران و شوراهای در فیال لغو قانون سود ویژه، دست به واکنش های انقلابی وسیعی زدند که این اعتراضات قبل از هرچیز انعکاس حقانیت طبقاتی کارگران در مقابل تعرض به حقوق و منافع اقتصادی شان بود. این مقابله انقلابی، مسئولیت ها و وظایفی را به عهده کارگران و بخصوص شوراهای می گذارد که برای پیشبرد مبارزات اقتصادی - سیاسی عیناً جاری توده کارگران ضروری است.

و اما این وظایف چیست؟  
۱- واکنش های انقلابی عموم کارگران بیانگر آن است که مصوبه جدید شورای انقلاب باید لغو گردد و

نفس قانون سود ویژه بیانگر یکی از انواع فریب کاری های سرمایه دار است و نمی تواند اساساً مورد تأیید کارگران آگاه و انقلابی باشد ولی واقعیت آن است که خود همین مبلغ ناچیز، بخشی از درآمد اندک کارگران را تشکیل می دهد. در شرایطی که تورم و گرانی بیش از همه بر طبقه کارگر فشار می آورد و دولت قادر به تثبیت قیمت ها نیست، حذف این مبلغ از درآمد، تعرضی آشکار به حقوق و منافع کارگران بوده و چیزی جز دامن زدن بیشتر به بحران اقتصادی نیست. از این رو کارگران و شوراهای در فیال لغو قانون سود ویژه، دست به واکنش های انقلابی وسیعی زدند که این اعتراضات قبل از هرچیز انعکاس حقانیت طبقاتی کارگران در مقابل تعرض به حقوق و منافع اقتصادی شان بود. این مقابله انقلابی، مسئولیت ها و وظایفی را به عهده کارگران و بخصوص شوراهای می گذارد که برای پیشبرد مبارزات اقتصادی - سیاسی عیناً جاری توده کارگران ضروری است.

لغو قانون سود ویژه و تصویب قانون تامین کارگران" به وسیله وزارت کار و هیئت اقتصادی شورای انقلاب (بی صدر، سبحانی و معین فر) طراحی شده و توسط شورای انقلاب در آخرین روزهای حیات اش به تصویب رسیده است. اکنون که شورای انقلاب (به عنوان عالی ترین مرجع قانون گذاری) جایش را به مجلس شورای اسلامی داده است، همه مصوبات آن و تأیید یا تکذیب مضامین آن، سیز در حیطه مسئولیت مستقیم مجلس شورا قرار می گیرد.

شورای انقلاب طی ماه گذشته طرف ۱۵ روز دو قانون صد کارگری را به تصویب رساند. یکی قانون ۱۶ ماده ای مربوط به صوابط تشکیل شوراهای و دیگری لغو قانون سود ویژه و تصویب قانون "تامین کارگران" ما مضامین و مختصات این دو قانون را درجای خود بررسی کرده و خواهیم کرد. در اسحا مختصراً به وظایف کارگران و شوراهای در برابر نصوب یکجانبه و خودسرانه حسن فوایی اشاره خواهیم کرد. خودسرانه بودن این مصوبات بدان معناست که بدون نظرخواهی از کارگران و شوراهای شان، به نحوی یکجانبه، اولاً دستاوردهای انقلابی کارگران و زحمتکشان (از قبیل شوراها و...) را پس از بیس "قانون" و رسماً در خطر ازمه پاشدگی قرار می دهد. ثانیاً بخشی از حقوق اقتصادی توده کارگران (سودویزه) بودن این حقوق مورد تعرض مستقیم قرار می گیرد، بدون آن که با لغو این قانون "طاغوتی" قانون مرفی و ماسی را جایگزین آن کرده باشد.

و اما در مقابل مصوبه جدید (لغو قانون سودویزه) شوراهای چگونه باید مقابله کنند؟

ما در ابتدا تاکید کنیم هم جنان که بارها گفته ایم، سودویزه امتیازی خاص و حقوقی فوق العاده نیست که به کارگر تعلق گرفته باشد بلکه جزئی از حقوق و دستمزد واقعی کارگران است که سرمایه دار در عرض سال ها ویرداخته است و در پایان سال، بخشی از حقوق برداشته را (که نزد خود یکپداشته بود) به عنوان "سود" به او می دهد.

### کارگران شرکت کورزین قسم

## نمی گذاریم حق مان را بیش از این پایمال کنند

قسم - در شرکت گاز کورزین قسم (که در دست چند پیمانکار است) کارگران پیمائی بومی در شرایط طاقت فرسائی به کار مشغولند طی ماه های اخیر کارگران سایر شرکت توانستند در اثر اتحاد و یکپارچگی به پاره ای از خواست های صنفی شان جامه عمل ببوشانند ولی هنوز از بسیاری از وسایل رفاهی

اولیه (از آبیخ گرفته تا سرباهی برای استراحت روزانه) محروم اند. کارگران می گویند: پیمانکاران سالیانه ما را به صورت برده مورد بهره کشی قرار داده اند ما هم به علت عدم وجود کار در این جزیره مجبور بوده ایم که به کارمان تحت همین شرایط سخت ادامه دهیم. این

بقیه در صفحه ۱۵

گزارشی از يك سفر

رفقا! باید دست در دست هم بازو به بازو، متکی بر پرولتاریا  
و پیشاپیش آن بسوی آرمان سوسیالیسم پیش بنائیم

حسبه است شارد همن  
رور مرداد ماه صبح زود از  
سروخرد خارج می شوم به  
طرف خرم آباد می روم . پنج  
سفر هستیم : چهار رفیق  
سازمانی از بهران و بجمعی  
از خورستان . راجع به خرم -  
آباد صحبت می کنیم . چه  
برامدای خواهیم داشت ؟  
کدام مسائل مطرح خواهند  
شد ؟ رفقای خرم آباد حول  
جد مسائل بیشتر بحث  
خواهند کرد ؟ و ... همه  
می داسم که سازمان در شرایط  
حساسی بسر می برد . اکنون  
سپس از هر زمان دیگر  
دستواری های مبارزه طبقاتی را  
احساس می کنیم . در آسانه  
یک تحول کیفی فرار داریم .  
این را همگی خوب می بینیم و  
اسود مسائل ایدئولوژیک ،  
سیاسی و سکالای کدکراس  
لازمه از سر کدکراسن جسی  
تحولی است . سازمان روس  
است . محمد می داسیم که  
نه محض ورود به خرم آباد ،  
رفقای سکالای و هواداران  
اسوهی از مسائل را ما از  
مان خواهیم کدکراس و  
مواقع سازمان را برس و جو  
خواهند کرد . این طبعی  
مخالف کلامی سازمان است .  
میرخلد انفال از یک کفیت  
نه کفیمی سوس . مرحله  
اسفان از دوران کودکی نه  
کمویسم لئوگرافند ناند که  
سئوالای بی ساری مطرح  
ناسد . سسرا از هر حرحر برای  
آن عده از ما که فلا تا  
رفقای لرسان بر خورد  
نداسدیم . آسانی ما اس  
رفقا . مان بلا واسطه ما آنها  
ساخت مسائل و خود  
سرجوردسنا ما معطلات و  
سکالای سازمان حالت بوحد  
است . سازمان حالت خواهد  
بود که سسم زوجه رفقای  
لو در کوران سکالای  
دستواری های کد اکنون سن  
از هر زمان دیگر . ناند آن  
سجد در اداجت حکوم  
است : سازمان حالت خواهد  
بود که ناند رفقا سن از  
محمد راجع به حد مسائل  
می اندسند . کفیت سیاسی -  
ایدئولوژیک ناند حکوم است :  
حد گام هانی در جهت  
سرجورد ما مسائل برداسند  
و ... و سن از هر حرحر  
دیگر . احساس سادی حرحر  
رفقای ساساحدای کد در اس

بخش از میهمان پرچم  
سازمان را برافراشته  
نگاه داشته اند و امر مبارزه  
طبقاتی را به پیش می برند .  
سازمان جالب است . ما  
رفقای بسیاری را از نزدیک  
خواهیم دید ، با تیپ های  
متنوع آشنا خواهیم شد ، دو  
رور در جمع رفقای خواهیم  
بود که شاید تاکنون  
سرخوردی ما آنها نداشته ایم  
این پیش از هر چیز دیگر  
سازمان سادی بخش است .  
سیدکوه زیبا و بر صلابت  
پس رومان است . یاد عزیز  
همد رفقای شهید لر ،  
همایون ها ، ترکل ها ، هاشم ها  
و هوشنگ ها در اعمال قلممان  
رنده می شود . رفقای از آنها  
سخن می گوید . از رندان ، از  
سکجدها و پایداری های  
مهربانانه آنها و ما لبریز از  
حاطره فدکاری و عشق والای  
آنان به مردم ، به کمویسم و  
به رهائی رحتکشان نه شهر  
وارد می شویم . هر یک بر بار  
کندای کد از رفقای سهدمان  
برحای مانده است ، ما را سن  
از بس نه مردم سیود  
می دهد .  
از همان سر خورد های  
حسب ، گرمی و شور رفقا را  
ما تمام وجود احساس می کنیم  
هر جا که می روی عشق و شور و  
رفعیانای است کد ناسد هر  
کمویسم است . چهره های  
صمیمی و بی آلاسی رفقای  
"لر" مان ناکی هوای  
کوهساران دنا رسان را رنده  
بی کند . لسخدهای برمه رسان  
حسم هانسان که از آرو و  
امند برن می رند . امند نه  
آنده را در ما موی . فوی و  
فوی بر می سازد . آن رفیق  
داسن مور که ما صفای تمام و  
ما ایدکی خجالت می گوید :  
"خوش آمدید ، رفقا ! پیش  
از اس نه ما سر برسند ! " سو  
را نه فکر وامی دارد و آن  
رفعی مادر ، ما محبت خاموش  
اما سکران ، ما سکوت  
برمه رس در بها هوی برشر و  
سور حوایی کد مرتب  
می آند و می روند .  
می بسند . محبت می کند ،  
عظدی طراب کواکون را ناهم  
در می آمربد و دهها مسئل را  
مورد بحث فرار می دهد ،  
صممان برسن علائق را نه  
مانس می کدکراس . سلاسن  
می کی . ما متانسی خاص

مادری که سرد و گرم روزگار را  
چشیده است و با نگاه گرمش  
جواب سلامت را می دهد و  
آنگاه ... تمام محبتش را  
در رتق و فتق بی ریا و  
پرتلاش امور خانه که اکنون  
پسر از هوادار و عضو و  
کادر است ، خلاصه می کند .  
از همه چیز درس  
می آموزیم ، از صفای آن رفیق  
دانش آموز ، از مهر ریشه دار  
این رفیق مادر و از شیطنت  
سادی انگیز و بی ریا آن  
رفیق که با لسخدهایش ، با  
طعن دوست داشتی اش و با  
اعتراض شفاف و سازنده و  
شیطنت باری که :  
"رفقا ! تا پاسخ سئوالای  
را ندهید ، از میوه خبری  
نیست"  
نگرانی و علاقه عمیقش را  
سست به سر نوشت سازمان و  
احساس شرکت در حرکات  
گذشته و مبارزه برپیچ و خم  
آمده را نشان می دهد .  
به آینده امیدوارو  
امیدوارتر می شود ! رفقا ما  
مشکلات زیادی روبر هستند ،  
سئوالای بی شماری دارند که  
بی جواب مانده و ما جواب  
کاملی به آنها داده شده  
است . کنگی و اشام در  
سسازی از موارد وجود دارد ،  
خلاصه نکوم رفقا نکراند !  
نکراند که حساس کارس نه  
کجا کشیده خواهد شد و  
سازمان جد می کند ؟ آری !  
این نگرانی محسوس است .

انتقادات بسیاری هم وجود  
دارد . از اینکه چرا نشریه  
"کار" بعضی مسائل مهم  
را ترویج نشده منتشر می کند  
از اینکه چرا تحلیل از  
حاکمیت به گونه ای تدوین  
شده منتشر نمی شود ، از اینکه  
موقعیت جنبش کمویستی  
میهمان و در راس آن  
سازمان ، در جنبش جهانی  
کمویستی تئوریزه نشده  
است و حول آن مبارزه  
ایدئولوژیک صورت نمی گیرد ؟  
آری ! نگرانی هست ! اما  
نویدی ؟ !  
عصبی ؟ ! روحیه تخریب ؟ !  
نه ! ما چیزی احساس  
نکردیم . بحالتی که بگوئیم  
نگرانی رفقا ، احساس  
مسئولیتی است که در فعال  
بیماری رشد سازمان در برابر  
آسیب پذیری های مرحله  
"زایمان" سازمان دارد .  
نگرانی های آنها از مواقع  
سازمان به تبع همین موقعیت  
است .  
رفقا می برسید :  
موضع سازمان در رابطه  
ما اردوگاه سوسالسنم  
جست ؟ نصاددهای جهانی را  
چگونه نسیم می کند ؟ اکنون  
سبتر جهانی در شرایط فعلی  
کدام است ؟ انترناسیونالسم  
از نظر سازمان چگونه است ؟  
چرا سازمان حول و حوس  
این مسائل ترویج می کند ؟  
حاکمیت نماینده کدام افشار  
و طبقات است ؟ قانونمدی

وجودی هر یک از این افشار  
و طبقات چیست و ظرفیت  
انقلابی آنها را چگونه  
می بینیم ؟ جهت ضربه اصلی  
کدام است ؟ کدام نیرو باید  
منفرد شود ؟ سیر حرکتی و  
آینده حاکمیت کنونی  
چیست ؟  
در شرایطی که توده ها به  
شدت از حاکمیت بریده  
می شوند ، ما چه رابطهای بین  
مبارزات توده ها ، حاکمیت  
و مبارزه صدامیریالیستی  
برقرار می کنیم ؟  
ضرورت مرز بندی با  
اپورتونیسیم راست . همراه با  
سرخورد با جریانات "چپ"  
توضیح سیاست ما در  
کدکراسن و ... از حمله  
مسائل بود که رفقا مطرح  
می کردند . آنها تاکید ریادی  
بر این داشتند که پرچم  
انتقاد و انتقاد از خود را در  
سازمان سیاسی برافراشته و  
برافراستدر داشت و از اس  
طریق توده ها ، هواداران ،  
اعضا و کادرها را با روح  
رزمندگی و ساردکی انقلابی  
پرورش داد .  
به وضوح می توان دید که  
رفقای هوادار در لرسان ،  
در برابر آنچه که در میهمان  
و در حسن و در سازمان  
می کردد ، نگران اند . یک  
نگرانی مسئولانه در زرفای  
جسم رفقا موج می زند .  
نگرانی کد بدحرحر روی عصبی  
خودانگیزند و مخرب نیست .  
سکیمای و مناب آنها در  
طرح مسائل ، روجه  
سازنده شان در سر خورد ما  
مشکلات ، مقاومت و  
بایداری شان در برابر امواج  
تاساز سیاسی کد اپورتونیسیم  
بقیه در صفحه ۱۳

اطلاعیه هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) بهشهر

عمل ضد دمکراتیک

دادگاه انقلاب اسلامی بهشهر را محکوم می کنیم

در شرایطی که وحدت نیروهای صدامیریالیست ، هر چه بیشتر ضرورت تاریخی  
دارد ، دادگاه انقلاب اسلامی بهشهر طی یک محاکمه غیابی و غیر علنی یک  
هوادار سازمان را به جرم فروش نشریه " کار " محکوم به ۵۰ ضربه شلاق  
نمود و حکم در روز جمعه در صف نمازگزاران اجرا شد .  
ما این عمل را در جهت تضعیف مبارزات صدامیریالیستی - دمکراتیک مردم  
ایران دانسته و قویاً آن را محکوم می کنیم .

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) - بهشهر

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیر وهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند -



# بیانیه مشترک

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) و حزب دمکرات کردستان

## درباره

# صلح و نیروهای ضد انقلاب در کردستان

اکنون ماههاست که جنگ برادرکشی در کردستان از سرگرفته شده است و هر روز که می گذرد، تعداد بیشتری از فرزندان این آب و خاک قربانی آن می گردند. امروز دیگر همه آنان که نگران سرنوشت انقلاب مردم ایران اند، می دانند که ادامه و گسترش جنگ برادرکشی در کردستان به زیان مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) و حزب دمکرات کردستان ایران همواره بر این امر تاکید داشته اند که مسئله کردستان راه حل نظامی ندارد و تنها از طریق ایجاد محیط تفاهم و گفتگوست که می توان به حل نهائی این مسئله دست یافت.

اما هر بار که تلاشهایی در جهت حل صلح آمیز مشکل کردستان صورت گرفته، عناصر و نیروهای جنگ افروز آن را با شکست مواجه ساخته اند. عدم حل صلح آمیز مسئله کردستان دقیقاً سبب فراهم آمدن همان شرایطی می شود که نیروهای ضدانقلابی خواهان آنند.

هم زمان با ادامه محاصره اقتصادی از طرف امپریالیسم آمریکا و متحدانش و شکست توطئه تجاوز نظامی و ایجاد کانونهای ضدانقلابی در برخی کشورهای منطقه از جمله عراق علیه انقلاب ایران دشمنان انقلاب کوششهای بسیار گسترده ای را نیز در داخل، جهت نابودی دستاوردهای انقلاب ایران آغاز کرده اند که توطئه کودتای نافرجام اخیر نمونه برجسته آن بود.

سیاست حفظ ارتش ضد خلقی رژیم شاه و تبلیغ این خیال باطل بین توده ها که گویا ارزش ملی و اسلامی شده است، امروز جدی ترین خطرات را برای دستاوردهای خون هزاران شهید خلق به وجود آورده است و مسئولیت حفظ این ماشین عظیم وابستگی و خیانت نیز مستقیماً بر عهده مقامات دولت جمهوری اسلامی ایران است. حقایق نشان می دهد سیاستهایی که بین مردم تفرقه اندازی می کنند، سیاستهایی که می کوشند بر اساس اختلاف عقیدتی یک بخش از مردم را در برابر بخش دیگر قرار دهند و به جای دعوت مردم به اتحاد با یکدیگر و مبارزه متحد با امپریالیسم آمریکا و ایادی آن، آنان را به مبارزه با انقلابیون راستین خلق دعوت می کنند، آنان که تحمل هیچ عقیده و فکر دیگری را ندارند و بر اساس تعصب مذهبی به دشمنی با سایر نیروهای ضدامپریالیست کمر بسته اند، آنان که بر اساس همین افکار روز به روز اتحاد و همبستگی مردم را در برابردشمن اصلی تخریب می کنند و آن را به دشمنی بدل می نمایند، آنان که از سیاست سرکوب خلقهای تحت ستم جانبداری میکنند، نیروهای انقلابی مردم را از مقابله با دشمن اصلی غافل ساخته و به دشمنان خلق اجازه می دهند که با فراغ خاطر علیه مردم توطئه کنند. فکر بسیار خطرناکی است اگر تصور کنیم از دست امپریالیست ها هیچ وقت کاری ساخته نیست. اگر میلیون ها مردم در اتحاد با یکدیگر در زندگی سیاسی حضور داشته باشند، هرگز امکان کودتاهای امپریالیستی به وجود نخواهد آمد. حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) تا آنجا که به مشکل کردستان مربوط می شود، به رسمیت شناختن حقوق حقه خلق کرد از جانب جمهوری اسلامی ایران و پایان بخشیدن به جنگ برادرکشی در کردستان را بزرگترین تضمین جهت وحدت خلقهای ایران و نابودی عناصر وابسته و جنگ افروز در منطقه می دانند. بر این اساس جهت از بین بردن فضای خصومت آمیز موجود مصرأ از دولت می خواهند:

- ۱- با اعلام فوری آتشبس زمینه را برای حل نهائی مسئله کردستان فراهم نماید.
- ۲- شش اصل پیشنهادی حزب دمکرات کردستان

ایران درباره خودمختاری را رسماً اعلام نماید.  
۳- یک هیئت نام الاختیار برای مذاکره با نمایندگان راستین خلق کرد، در مورد پیاده کردن شش اصل خودمختاری و واگذاری امور داخلی به مردم کردستان تعیین و اعزام دارد.  
۴- دولت باید ضمن تضمین آزادی های دمکراتیک در سراسر ایران تصویب نامه انحلال حزب دمکرات کردستان ایران را لغو نماید. همچنین تا حل نهائی مشکل کردستان مسئله خلع سلاح عمومی کردستان را که موجب ادامه جنگ برادرکشی است طرح ننماید.

متأسفانه علیرغم پذیرش طرح ۶ ماده ای از جانب پاره ای مقامات مسئول و از جمله رئیس جمهور تاکنون از اعلام رسمی آن خودداری گردیده است و در مقابل برنامه محاصره اقتصادی، تشدید تبلیغات سوء و سیاست لشکرکشی علیه خلق کرد دنبال گردید و شرایط را جهت آغاز مذاکرات صلح هرچه تیره تر ساخت تا جایی که مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی که می بایست نقش ترقی خواهانه ای در حل مسئله کردستان ایفا نماید، در نخستین قطعنامه خود اعلام می کند که با نیروهای سیاسی در کردستان هیچگونه مذاکره ای نباید صورت گیرد. تنظیم کنندگان این قطعنامه نه تنها بی اطلاعی خود را از اوضاع سیاسی کشور آشکار ساخته اند بلکه با صدور چنین قطعنامه ای نشان دادند که نسبت به مصالح مردم ایران تا چه پایه بی اعتنا بوده و فاقد احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت انقلاب مردم ما هستند. نمایندگان مجلس در قطعنامه خود نیروهای انقلابی و ترقی خواه کردستان را ضدانقلاب خوانده و در مقابل مواضع صلح طلبانه آنان به اعلام مواضع جنگ طلبانه ای که شانزده ماه است در خدمت تخریب دستاوردهای انقلاب قرار دارد، تاکید ورزیده اند.

کسانی که نمی خواهند ایادی و اعمال امپریالیسم جنایتکار آمریکا، کردستان را به عرصه اعمال توطئه گرانه و ضدانقلابی خود تبدیل نمایند، باید این مسئله را نیز دریابند که جنگ راه حل مسئله کردستان نیست. آنها باید به جنگ برادرکشی در تمام جبهه ها پایان بخشیده و هرچه سریع تر حقوق عادلانه خلق کرد را در چهارچوب جمهوری اسلامی ایران مورد تأیید قرار دهند.

اکنون رژیم جنایتکار و ضد خلقی بعث عراق به پایگاه امنی برای همه دشمنان انقلاب ایران تبدیل شده است. رژیم فاشیستی بعث که در داخل کشور خود خلقهای عرب و کرد را از کلیه آزادی های اجتماعی محروم ساخته و سیاست سرکوب فاشیستی نیروهای مترقی در داخل عراق را دنبال می کند، اکنون که انقلاب ایران را خطری برای سلطه جنایتکارانه خود می داند، با همه امکانات درصدد توطئه برآمده و با سوء استفاده از احساسات پاک مردم کردستان و خوسزندان در صدد است که به انقلاب خلقهای ایران ضربه وارد آورد. حضور مداوم جنایتکارانی چون شاهپور ریختیار، اوبسی، پالیزیان، سردار جاف، زند و خسروپناه و تعداد زیادی از مزدوران فراری رژیم شاه در عراق نیت واقعی آنها را به خوبی نشان می دهد. این مزدوران اکنون با شبکه ایادی امپریالیسم آمریکا در داخل ایران روابط گسترده ای ایجاد کرده اند. علاوه بر این رژیم فاشیستی بعث عراق در صلح نمودن و حمایت از باند های فتو دالی در کردستان نقش اصلی را ایفاء می نماید. وجود دستجات ضدانقلابی و مزدوری نظیر سپاه زرگاری، مزدوران وابسته، به بختیار، اوبسی پالیزیان و سردار جاف و حامد بیگ و شیخ محمد کرپچنه ها، علی قاضی (کوری رهش) و شبکه افسران سلطنت طلب و فراری تحت عناوین ارتش رهائی بخش ایران و سازمان قیام ملی، همه حکایت از توطئه های

وسیع رژیم بعث و امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران و جنبش حق طلبانه خلق کرد می نماید. از جانب دیگر طی ماههای اخیر پاره ای محافل وابسته به جمهوری اسلامی ایران، تعدادی از فتو دال های وابسته به رژیم سابق نظیر رشید بیگ جهانگیری، بهمن خان خسروی و رحیم معبودی را صلح نموده اند. این مزدوران مخالف هرگونه راه حل سیاسی مسئله کردستان بوده و خاتمه جنگ برادرکشی را به زیان منافع ضد مردمی خود می دانند در این میان نباید نقش دیگر دولت های ارتجاعی منطقه را از قبیل پاکستان، ترکیه، شیخ نشین های خلیج فارس عربستان سعودی و رژیم منقر سادات در مصر را که امکانات خود را سخاوتمندانه در اختیار پسرمانده های رژیم شاه و دیگر مزدوران قرار داده اند، فراموش نمود این رژیم های ضد خلقی امروز در منطقه به عنوان عمال و کارگزاران امپریالیسم جهت نابودی انقلاب ایران عقد اتحاد بسته اند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) و حزب دمکرات کردستان ایران در این مقطع تاریخی با احساس مسئولیت در برابر سرنوشت انقلاب و آینده کشور یکبار دیگر آمادگی خود را جهت کوشش در راه حل صلح آمیز مشکل کردستان اعلام می دارند. هم چنین با اعتقاد به مبارزه عادلانه خلق کرد در راه کسب حقوق ملی و به خاطر دفاع هرچه بیگنتر از حقانیت این مبارزه به رژیم فاشیستی بعث و پسرمانده های رژیم سرتگون شده و باند های ضد انقلابی فوق الذکر و نظایر آنها اجازه نخواهند داد با دخالت در امور کردستان ماهیت واقعی مبارزه عادلانه خلق کرد را لوט نمایند. هروغ همکاری و دوستی با رژیم های ارتجاعی و مماشات و سازش با دستجات ضد انقلابی به زیان انقلاب ایران و مبارزه عادلانه خلق ما ست.

حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)، با اعتقاد به دفاع از دستاوردهای انقلاب شکوه مند مردم ایران تصمیم خود را به مبارزه با تمام نیروهای ضدانقلابی در کردستان اعلام می نمایند. ما اعتقاد داریم مبارزه با مزدوران بیگانه به تأمین حقوق عادلانه خلق کرد و برقراری صلح در کردستان یاری می رساند. هم چنین ما قاطعانه اعلام می کنیم در مقابل توطئه خائنانه فرماندهان مزدور ارتش جهت انجام کودتا ساکت نخواهیم ماند و با تمام نیرو همراه با سایر نیروهای انقلابی و ترقی خواه و مردم مبارز ایران توطئه ننگین مزدوران امپریالیسم را درهم خواهیم شکست. ما از مردم مبارز ایران و همه نیروهای انقلابی و ترقی خواه می خواهیم ضمن دفاع از برقراری صلح در کردستان و تأمین حقوق حقه خلق کرد، از تلاشهای ما به خاطر نابودی نیروهای ضد انقلاب فعالانه حمایت نمایند.

امیدواریم با نابودی تمامی عمال و ایادی امپریالیسم در سرتاسر ایران مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم میهنمان به خاطر ایجاد ایرانی مستقل آزاد و دمکراتیک همچنان تداوم یابد.

پیروزی باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای قهرمان ایران  
مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا  
پیروزی باد مبارزه عادلانه خلق کرد در راه کسب خودمختاری  
برقراری صلح عادلانه در کردستان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)  
حزب دمکرات کردستان ایران  
۱۷ مرداد ۱۳۵۹



بمناسبت چهاردهمین سال آغاز مبارزه مسلحانه خلق در نامیبیا

# نامیبیا

## در راه کسب استقلال و آزادی

می دهد و در چنین شرایطی سواپو یگانه سازمان توده ای نامیبیا پیکر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا را به لرزه درآورده است.

\* \* \*

در سال ۱۹۵۹ کارگران قراردادی اوامبولند در نامیبیا، سازمانی به نام سازمان خلق اوامبولند را به وجود آوردند. یک سال بعد این سازمان به رهبری کارگری به نام سام نجوما (رهبر کنونی سواپو) به "سازمان خلق افریقای جنوبی" (سواپو) تغییر نام داد. سواپو به سرعت در

میان توده ها نفوذ کرد. با تشکیل سواپو جنبش در نامیبیا اوج یافت. خرده بورژوازی و کارگران محلات از اولین گروه های بودند که به مبارزه فعال پیوستند. مدتی بعد کارگران قراردادی نامیبیا، با توجه به کار سیاسی که سواپو در میان آنها انجام داده بود، نیز حرکات اعتراضی خود را شروع نمودند.

بعد از یک دوره کوتاه مبارزات پراکنده و غیر متشکل، سواپو مبارزه مسلحانه را در دستور کار خود قرار داد. بدین منظور در سال ۱۹۶۲ اولین گروه داوطلبان سواپو برای تعلیمات چریکی به مصر که در آن زمان تنها کشور مترقی افریقای محسوب می شد، رفتند و سرانجام در ۲۶ اوت (۴ شهریور) ۱۹۶۶ مبارزه مسلحانه به وسیله رزمندگان سواپو آغاز گردید.

سواپو بر این اعتقاد است که مقاومت مسلحانه علیه سلطه گری افریقای جنوبی و امپریالیسم موثرترین وسیله برای دستیابی به پیروزی در نامیبیا است. سواپو می گوید:

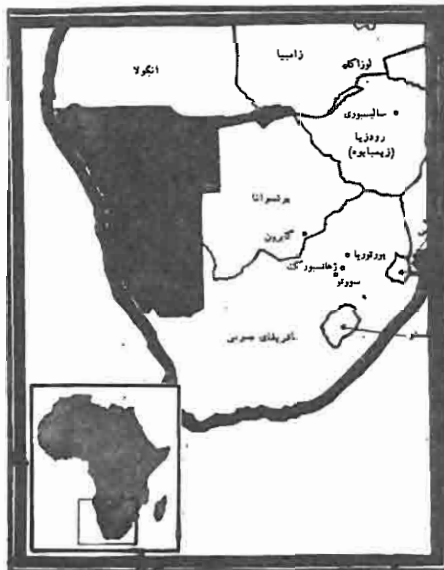
"هرچند ما معتقدیم که مبارزه مسلحانه هم اکنون باید شکل عمده فعالیت های آزادی بخش ما باشد، اما ما عاشق جنگ نیستیم و به آن به عنوان ورزش نگاه نمی کنیم. ما جنگ را آنطور که حقیقتا هست می بینیم: گسترش سیاست با وسائل دیگر. جنگ ادامه روابط سیاسی در شکل قهرآمیز است اما همانند تمام روابط سیاسی دیگر برای محک زدن هر جنگ، هر شخصی باید کوشش نماید ماهیت سیاستی را که پیش برده می شود، درک کند... همانند روابط اجتماعی، فعالیت های سیاسی هم عادلانه و غیر عادلانه است. فعالیت های سیاسی عادلانه طبیعتا باید حمایت شوند. بنابراین همواره باید تفاوت آشکاری بین جنگ عادلانه و غیرعادلانه قائل بود. ما مبارزه مسلحانه آزادی بخش خود را عادلانه می دانیم و از این رو، این مبارزه شایسته حمایت تمام مردم عدالت خواه و صلح دوست می باشد... به خاطر به ارمغان آوردن عدالت برای مردم ستمدیده نامیبیا، سواپو در راه تسلیح سراسری خلق گام برمی دارد که عبارت است از تغییر مبارزه مسلحانه در نامیبیا به جنگ سراسری خلق."

(از برنامه سیاسی سواپو)

مبارزه مسلحانه سواپو مخصوصا پس از اعتصاب



بسر می برند. چنگال های خونین امپریالیسم در تمام شئون زندگی مردم نامیبیا سایه افکنده است هر سال که می گذرد، میزان سرمایه گذاری امپریالیست ها در کشور بالا می رود. تنها در سال ۱۹۷۶ سرمایه گذاری سرمایه داران انحصارگر امریکا در افریقای جنوبی و نامیبیا بالغ بر ۲ میلیارد دلار گردید. این ارقام تاکنون به میزان چندبرابر افزایش یافته است. آری! خلق نامیبیا در چنین شرایطی نبرد آزادی بخش خود را ادامه



مبارزات توفنده خلق های تحت ستم جهان هر روز که می گذرد، اوج بیشتری می باید و ضربتی شکننده تر بر پیکر امپریالیسم در حال احتضار وارد می آورد. پرچم های سرخ رهایی برفراز کشورهای رها شده به اهتزاز در می آیند و پیروزی خلق را به نمایش می گذارند. خلق های افریقا یکی پس از دیگری به پیروزی دست می یازند: دیروز آنگولا، موزامبیک و گینه بیسائو، امروز زیمبابوه و... فردا نوبت نامیبیا است.

خلق نامیبیا امسال با فرارسیدن چهارم شهریور ماه، چهاردهمین سال مبارزه مسلحانه علیه استعمارگران خارجی را جشن می گیرد. سازمان ما ضمن بزرگداشت این روز تاریخی دروهای انترناسیونالیستی خود را به خلق قهرمان نامیبیا و رزمندگان سواپو اعلام می دارد.

نامیبیا همانند بسیاری کشورهای افریقای تحت سلطه امپریالیسم جهانی قرار دارد. این کشور به خاطر داشتن منابع غنی زیرزمینی مورد توجه امپریالیست ها قرار گرفت. جنگ جهانی اول، امپریالیست های سفید پوست افریقای جنوبی را جانشین آلمان ها در نامیبیا کرد. رژیم نژادپرست افریقای جنوبی با سرکوب، فشار و اختناق سعی نمود که حاکمیت خود را بر خلق نامیبیا اعمال نماید. صنایع، معادن غنی زیرزمینی (مانند الماس و اورانیوم)، ماهیگیری و غیره تحت کنترل شرکت های انحصاری امریکائی آلمانی، انگلیسی و کانادائی درآمد. بدین ترتیب تمامی ثروت کشور به تدریج در دست عده قلیلی سفید پوست استعمارگر قرار گرفت. به عنوان مثال در سال ۱۹۶۲، ۷۳ هزار نفر مالک سفید پوست ۴۸٪ از زمین ها را در تصاحب خود داشتند در صورتی که ۴۳۰ هزار نفر افریقای فقط ۲۵٪ از زمین ها را صاحب بودند و یا در سال ۱۹۶۷ متوسط درآمد برای هر سفید پوست در نامیبیا ۲۴۴۲ دلار تخمین زده می شد که این مقدار ۲۶ برابر درآمد یک سیاه پوست در نامیبیا بود.

شرایط زندگی زحمتکشان نامیبیا بسیار وحشتناک و حزن آلود است. در حالی که میلیون ها دلار از ثروت ملی خلق نامیبیا به جیب های گشاد امپریالیست ها سرازیر می گردد، مردم نامیبیا از داشتن ابتدائی ترین مایحتاج زندگی محروم اند. مثلا از قیل از اعتصاب عظیم سال ۱۹۷۱ حداقل دستمزد کارگران ۱۰ سنت (هر دلار ۱۰۰ سنت) در ساعت بود. به عبارت دیگر دستمزد کارگران بین ۵/۲۵ دلار تا ۱۴/۷۰ دلار در ماه بود. کارگران بطور قراردادی کار می کردند. استعمارگران آنها را بر اساس تجربه و شرایط بدنی به گروه های مختلف (الف، ب و...) تقسیم می کردند. کارگران مجبور بودند همانند عصر برده داری بر گردن خود نام صاحب و گروه بندی خود را آویزان کنند. در دوران قرارداد، اگر کارگری از کار خود استعفا می کرد، برایش جرم محسوب می شد. دهقانان، دانش آموزان، زنان و همه مردم در شرایطی مشابه

تقویم انقلاب جهانی بقیه از صفحه ۱۰

### بناسبت چهاردهمین سال

عظیم کارگران در سال ۱۹۷۱ از گسترش یونین برخوردار شده است. شرکت کارگران و دهقانان در صفوف رزمندگان سوایو و "ارتش رهاشبخش خلق نامیبیا" (پلان) وحدت و همبستگی کارگری - دهقانی را شدت بخشیده است.

سوایو عمیقاً به این حقیقت توجه دارد که فقط و فقط یک سازمان سیاسی با داشتن ریشه‌های عمیق در میان توده‌ها قادر خواهد بود در مقابل فشار و اختناق موجود در نامیبیا ایستادگی کرده و جسش را به پیروزی نهائی برساند. بدین خاطر است که در صدر برنامه سیاسی سوایو "تشکل و سازماندهی توده‌های نامیبیا به خاطر آنکه بتوانند به نحو موثری در جنبش رهایی‌بخش شرکت و نقش داشته باشند" در دستور کار قرار گرفته است و همچنین متحد ساختن تمام مردم نامیبیا خصوصاً طبقه کارگر، دهقانان، روشنفکران مترقی در یک حزب پیشرو که قادر باشد استقلال ملی را حفاظت کند و ساختمان یک جامعه بی‌طبقه و عاری از استثمار را بر اساس ایده‌ها و اصول سوسیالیسم علمی پی نهد، مورد توجه عمیق می‌باشد. از نظر سوایو برای رسیدن به این هدف یعنی ساختمان یک جامعه بی‌طبقه ابتدا می‌باید استقلال ملی را به کف آورد و امپریالیسم را از نامیبیا بیرون کرد اما مبارزه با امپریالیسم و رژیم نژادپرست به هیچ‌وجه مانع از آن نشده است که سوایو با تجلیات و گرایش‌ها قبیله‌گرائی، محلی‌گرائی و تفاوت نژادی مبارزه نکند. در سال‌های اخیر جنبش‌های کارگری، اعتصابات و تظاهرات در نامیبیا وسعت بسیاری یافته است. صدای اعتراض خلق از هر سو به گوش می‌رسد. درحالی‌که اکثریت عظیم خلق نامیبیا از یگانگی سازمان سراسری خود (سوایو) حمایت می‌کنند، سازمان‌های تجزیه‌طلب و سازشکاری که مسیر مبارزه را منحرف می‌نمایند با برخورد اصولی سوایو منزوی و از کمترین پایگاه توده‌ای برخوردار هستند.

پیروزی خلق قهرمان آنگولا در سال ۱۹۷۶ تأثیرات چشم‌گیری بر مبارزه مردم نامیبیا گذاشت و پشت جبهه مستحکمی برای رزمندگان خلق نامیبیا به وجود آورد. رژیم نژادپرست افریقای جنوبی که از انقلاب خلق آنگولا به هراس افتاده بود، سروهای نظامی خود را در مرز آنگولا (شمال نامیبیا) افزایش داد تا بدین‌وسیله مزدوران وابسته به امپریالیسم یونیتا را در امر ضربه‌زدن به انقلاب آنگولا یاری رسانده رابطه رزمندگان سوایو را با پشت جبهه خود قطع کرده و مبارزات خلق نامیبیا را سرکوب نماید. هم‌اکنون قریب به ۵۰ هزار نیروی نظامی افریقای جنوبی فشار و اختناق کامل بر مردم وارد می‌آورند.

مزدوران رژیم نژادپرست افریقای جنوبی در به آتش‌کشیدن خانه، نابودکردن مزارع سیاهان و کشتار خلق نامیبیا تنها نیستند. کارشناسان ضدشورش اسرائیل در عملیات ضدچریکی با سروهای افریقای جنوبی همکاری می‌کنند و حتی نامیبیا امروز جولانگاه نیروهای ضدخلق شیلی نیز شده است تا ارتش پینوشه از این نوع جنگ‌ها نیز تجربه بیاموزد.

در حالی که امپریالیست‌ها و رژیم‌های ارتجاعی وابسته به آنها از رژیم نژادپرست افریقای جنوبی حمایت می‌کنند، کارگران و خلقهای سراسر جهان، انقلابیون سراسر گیتی، کمونیست‌ها، کشورهای سوسیالیستی و دولت‌های ضدامپریالیست قاطعانه مبارزات خلق نامیبیا به رهبری سوایو را مورد تأیید و حمایت قرار داده و پیروزی خلق نامیبیا را جزئی از پیروزی خود در مبارزه با امپریالیسم به شمار می‌آورند.



### وضع مسکن در کوبای قبل از انقلاب

تا سال ۱۹۵۹ که انقلاب کوبا پیروز شد، زمین در این کشور در انحصار مالکین خصوصی قرار داشت. بورس‌بازی در محدوده شهرها همه‌چیز را تحت‌الشعاع قرار داده بود. سرمایه‌گذاری‌های محدود دولتی نیز به جیب سرمایه‌داران سرازیر می‌گردید و باعث رشد سرطانی شهرها بود. هاوانا در آن زمان یکی از مراکز اصلی قمار و فحشا

در کوبا اولویت‌ها در بخش ساختمان بسیار زود شناخته شدند. ساختمان برای خدمات بهداشتی و آموزشی و احداث ساختمان‌های صنعتی. در رده اول قرار داشتند تا بدین‌وسیله حرکت اساسی در جهت ساختمان تولید سوسیالیستی قرار گیرد.

در نیمکره غرب به شمار می‌رفت. شرایط زیست و مسکن طبقه کارگر و زحمتکشان کوبا در دوران قبل از انقلاب بسیار وحشتناک بود. گزارش سرشماری سال ۱۹۵۳ در مورد مسئله مسکن در کوبا از این قرار است: تنها ۲۳ درصد مردم کوبا در شرایط حداقل

### مشکل مسکن در کوبای انقلابی چگونه حل شد؟

قابل قبول "زندگی می‌کردند. ۱۵ درصد مردم در خانه‌هایی کلا غیرقابل سکونت می‌زیستند. ۶۲ درصد خانه‌ها دارای سقف پوشالی و کف پوشیده از خاک بودند. تقریباً نیمی از خانه‌ها فاقد برق و نزدیک ۶۵ درصد مردم از آب لوله‌کشی محروم بودند.

در کوبای قبل از انقلاب مهاجرت از روستاها به شهر همچنان فزاینده بود و حاشیه‌نشینی در شهرها به سرعت گسترش می‌یافت. در روستاها مسکن دهقانان فاقد فضای مناسب و لازم بود. تاسیسات بهداشتی و مراکز آموزشی و خدماتی به‌کلی دور از دسترس روستائیان قرار داشت و اصولاً بهداشت به جز در شهرهای بزرگ در جایی دیگر وجود نداشت. امراض گوناگون در میان روستائیان به شدت رواج داشت.

### راه حل دولت انقلابی کوبا برای مشکل مسکن

دولت انقلابی کوبا که در سال ۱۹۵۹ زمام امور را در دست گرفت، با کوهی از مشکلات روبرو بود. مسئله مسکن یکی از آنها بود. در آن زمان بقیه در صفحه ۱۳

## اخبار جهانی

### صحرا

براساس گزارش‌های رسیده رزمندگان جبهه پولیساریو موفق شدند در سرد با ارتش مزدور ملک حسن، ۵۱ تن از افراد نیروی نظامی مراکش را به هلاکت برسانند.

### شیلی

ژنرال پینوشه دیکتاتور نظامی شیلی که در سال ۱۹۷۳ بعد از یک کودتای نظامی امریکائی بر سر کار آمد، خواستار اعلام یک فرزندم سراسری به منظور تصویب قانون اساسی جدید گردیده است که به‌اوجازه می‌دهد تا سال ۱۹۸۹ در مقام ریاست جمهوری باقی بماند. وی قصد دارد این فرزندم را در روز ۱۱ سپتامبر یعنی هفتمین سالگرد کودتای نظامی و سقوط دولت ملی آلنده برگزار کند.

### نیکاراگوئه

محاکمه ضدانقلابیون در نیکاراگوئه همچنان ادامه دارد. افرادی که دستگیر شده‌اند و محاکمه

آنان هم‌اکنون در نیکاراگوئه در جریان است و وابسته به نیروهای ضدکمونیست می‌باشند که در جنایات بسیاری از جمله خرابکاری، دستبرد و حمله به شرکت‌کنندگان در امر مبارزه با بیسوادی شرکت داشته‌اند. تحقیقات نشان می‌دهد که متهمان از حمایت بی‌دریغ شرکت‌های چند ملیتی امپریالیسم برخوردار بوده‌اند. مردم نیکاراگوئه ضمن محکوم کردن ضدانقلابیون منتظر مجازات آنان می‌باشند.

### امریکا

دولت امریکا نقشه حمله نظامی دیگری را به ایران طراحی کرده‌است. به گزارش خبرگزاری‌ها حمله نظامی امریکا که به منظور آزاد ساختن جاسوسان امریکائی صورت خواهد گرفت، در اواسط ماه اکتبر خواهد بود.

به این منظور امریکا نیروی دریایی خود را در اقیانوس هند و خلیج فارس گسترش داده است. محافل نزدیک به کاخ سفید اظهار کرده‌اند که هجوم نظامی امریکا به ایران باعث پیروزی کارتر در انتخابات خواهد شد.



# بررسی اعتصاب ۵۶ روزه کارگران صنایع فولاد اهواز (۲۵ دی ماه ۵۸ تا فروردین ماه ۵۹) (قسمت دوم)

میان عرب و عجم" که به منظور دامن زدن به نفاق و چنددستگی درمیان کارگران، اختلافات قومی و عقیدتی به کار گرفته شد و به کارفرما امکان داد تا از این حربه استفاده کرده، به اتحاد و یکپارچگی کارگران ضربه وارد آورد.

## ضعف‌ها و اشتباهات شورای هماهنگی

۱- "شورای هماهنگی اعتصاب" از ارائه یک طرح عملی برای ایجاد "شرکت ملی پروژه‌های" ناتوان بود این امر در ادامه مبارزه نمی‌توانست به "دل‌سرد شدن و بریدن" بخش‌های قابل توجهی از توده کارگر از صفوف مبارزه نیانجامد. در تمام طول اعتصاب، عملاً جز نصب تابلوی "شرکت ملی پروژه‌های" به جای تابلوی شرکت‌های فاسترویل-تهران جنوب بر سردر کارگری، نشان دیگری از ملی شدن وجود نداشت ۲- عدم استفاده لازم از تجارب شوراهای دیگر کارخانه‌های خوزستان در رابطه با شعارهایی چون ملی‌کردن، مصادره، لغو قراردادهای... و بررسی مقایسه‌ای بین زمینه و شرایط آنان با کارخانه فولاد. با توجه به اینکه کارخانه‌های دیگری در همین زمینه و در رابطه با همین شعارها تجارب قابل استفاده‌ای داشتند.

● مشاهدات عینی و گزارشات اعتصاب همه حاکی از آن است که خواست صنفی "رسمی شدن کارگران پیمانی" تنها خواستی بود که در میان توده کارگران بطور بعمیق و ملموس برد داشته و مورد تأیید و تأکید همگانی بوده است.

۳- نداشتن برنامه و سیاست تبلیغی مشخص و زنده در طی مدت طولانی اعتصاب. شورای هماهنگی طی این مدت بجای آنکه با برنامه‌های تبلیغی زنده و ملموس قدرت بسیج‌اش را حفظ کند و آگاهی و تشکل کارگران را ارتقاء دهد، با برگزاری جلساتی که در آن بحث‌های مجرد و صرفاً ترویجی صورت می‌گرفت، انرژی و شور انقلابی کارگران را تحلیل می‌برد. بحث‌های طولانی درمورد پنج مشخصه اقتصادی امپریالیسم و یا مختصاً اقتصاد "تک‌محصولی" امپریالیسم برای توده کارگران (آنهم در شرایطی که وظایف مبرم و عملی و چشم‌انداز اعتصاب برایشان مبهم بود) بحث‌هایی مجرد و ملال‌آور بود و ابداً نمی‌توانست تداوم بسیج را تضمین نماید.

۴- شرکت خودبخودی بی‌برنامه در جریان کمک‌رسانی به سیزل‌زدگان خوزستان. هرچند از نظر تأثیر سیاسی - تبلیغی مثبت آن برای شورای هماهنگی و کارگران درخور توجه بود، ولی از یک سو موجب شد تا فاصله بین شورا و توده کارگران بیشتر شود و از طرفی دیگر زمینه بهره‌برداری عوامل کارفرما و مهندسان لیبرال و... را علیه شورای هماهنگی بیش از پیش فراهم آورد.

۵- و بالاخره ضعف برنامه‌ریزی انتظامات درختی کردن تشبثات کارفرما و دارو دست‌های (ایجاد تشنج و آشوب و بهم‌زدن نظم جلسات کارگران) را باید ذکر کرد.

ادامه دارد

۳- کارگران با وجود چنین شرایطی، بارها و بارها آمادگی‌شان را برای کار بی‌وقفه و جدی جهت مقابله با رکود تولید اعلام کرده بودند ولی همواره آمادگی انقلابی کارگران جهت گسترش و تداوم فعالیت‌های تولیدی با بی‌توجهی "مسئولین" و عدم پیگیری شورای مرکز مواجه می‌شد.

## مضمون اعتصاب (خواست‌ها)

اعتصاب دارای سه خواست صنفی - سیاسی زیر بود:  
۱- رسمی کردن کارگران پروژه‌های  
۲- مصادره و ملی کردن شرکت  
۳- لغو قراردادهای و تاسیس شرکت ملی پروژه‌های

مشاهدات عینی و گزارشات اعتصاب همه حاکی از آن است که خواست صنفی "رسمی شدن کارگران پیمانی" تنها خواستی بود که در میان توده کارگران، بطور عینی و ملموس برد داشته و مورد تأیید و تأکید همگانی بوده است. این خواست شعار وحدت دهنده و تقویت کننده صفوف مبارزاتی توده کارگران و تنها شعاری بود که در آن شرایط مشخص تداوم مبارزه کارگران را می‌توانست تضمین کند. دو خواست دیگر عمدتاً در میان کارگران آگاه و تا اندازه‌ای کارگران نیمه‌آگاه مطرح بوده و برد داشت. توده کارگران آن‌چنانکه باید درک عینی و روشنی از ابعاد دو محتوای این دو خواست نداشتند. در واقع اعتصاب دو محور و دو مضمون (در دو سطح متفاوت) داشت و این بنیاب و ناهماهنگی در سرتاسر طول دو ماهه اعتصاب به چشم می‌خورد. همین عدم تجانس بین شعارهای موجود از عوامل عمده و موثر شکست اعتصاب کارگران فولاد بود.

## تاکتیک‌های ضدکارگری کارفرما و عواملش

۱- تهدید به تعطیل کارخانه و شایعه‌پراکنی در مورد آن و بهره‌برداری از حربه روانی. (با توجه به اینکه کارگران در تعطیل کارخانه خطر بیکاری خود را می‌بینند) یکی از سلاح‌های طبقه سرمایه‌دار در مقابل اعتراضات کارگری همین حربه "تعطیل کارخانه" است. سرمایه‌داران با توسل به این حربه سعی می‌کنند صفوف متحد کارگران را درهم شکسته و کارگران را به زانو درآورند. این تاکتیک ضدکارگری هم‌اکنون به وسیله سرمایه‌داران لیبرال درون و بیرون حاکمیت به کار گرفته می‌شود که نمونه‌های کارخانه ساکا، صنایع چوب، فیلیپس، کارخانه‌های دارویی و... مؤید آن است. هرچند این حربه در وضعیت کنونی ایران هنوز نتوانسته است به حربه تعیین کننده‌ای در مقابل جنبش کارگری ایران بدل شود ولی هم‌چنانکه در فولاد دیدیم، تهدید به تعطیل و شایعه‌پراکنی حول آن می‌تواند در صفوف متحد کارگران اختلال ایجاد کند.

۲- قطع دستمزدها و مساعده کارگران حربه دیگری بود که کارفرما و عواملش در روزهای اعتصاب به آن متوسل شدند. این دسیسه نیز کم و بیش نتوانست تأثیرات سوئی در اتحاد کارگران به جا گذارد.

۳- شایعه‌پراکنی کارفرما و عواملش درمورد "درگیری

مبارزات دو ماهه کارگران فولاد نتایجی به بار آورد که از جمع بندی آن، آموزش‌های بسیاری می‌توان کسب نمود. آنچه که از این تجربه مبارزاتی باید آموخت، همانطور که گزارش اعتصاب نشان می‌دهد، این حرکت در شرایطی آغاز شد که مبارزات ضدامپریالیستی کارگران و زحمتکشان میهن ما (پس از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا) عمق و گسترش نویینی می‌یافت. طرح درخواست‌های صنفی - سیاسی که بیانگر پیوند تنگاتنگی با مضمون و محتوای عمومی جنبش ضدامپریالیستی - دمکراتیک توده‌های میهنمان باشد، بی‌شک در همین رابطه قابل تبیین است. برای آنکه درک روشنی از این حرکت کارگری داشته باشیم، نخست ضروری است که شرایط و زمینه آن را اجمالاً بررسی کنیم:

## الف - موقعیت و شرایط عمومی جامعه

۱- جنبش ضدامپریالیستی - دمکراتیک توده‌های مبارز میهنمان با اشغال جاسوسخانه آمریکا، اوج و اعتلای تازه‌ای یافته بود.

۲- درکارخانه‌های متعددی کارگران بطور خودبخودی برای رسمی شدن کارگران پیمانی، ملی کردن شرکت‌های وابسته و مصادره اموال این شرکت‌ها، اقدام کرده بودند. (از جمله کارگران شرکت حفاری، کارگران پیمانی صنعت نفت، کارگران شرکت‌های استارلاین و...)

۳- گسترش فعالیت‌های سیاسی گروه‌ها و سازمان‌های مدعی رهبری جنبش کارگری که در رابطه با گسترش مبارزات ضدامپریالیستی توده‌ها و به‌ویژه کارگران، شعارهای و برنامه‌های خود را بجا و نابجا درسطح جنبش و به‌ویژه درمیان کارگران تبلیغ می‌کردند.

## ب - شرایط و موقعیت درونی کارخانه

● درواقع اعتصاب دو محور و دو مضمون (در دو سطح متفاوت) داشت و این تباین و ناهماهنگی در سرتاسر طول دو ماهه اعتصاب به چشم می‌خورد. همین عدم تجانس بین شعارهای موجود از عوامل عمده و موثر شکست اعتصاب کارگران فولاد بود.

۱- مسئولین و گردانندگان صنایع فولاد از بهاره انداختن کارخانه طفره می‌رفتند. (استفای بی‌دری مدیریت به‌واسطه ناتوانی و بی‌کفایتی‌شان در اداره امور و بالاخره فقدان وسایل کار کافی که تداوم فعالیت‌های تولیدی را به رکودی نسبی کشانیده بود) ۲- شورای مرکزی کارخانه درمیان توده کارگران تکیه‌گاهی نداشت. چون با محافظه‌کاری و سازشکاری درمقابل "مسئولین امر" نمی‌توانست بیانگر خواست‌ها و منافع کارگران باشد و مدت‌ها بود که نه تنها به خواست‌های سیاسی بلکه به حقوق صنفی کارگران نیز کمترین توجهی نمی‌شد.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



## گزارش يك سفر...

بقیه از صفحه ۸

چپ و راست هیزم بیار آتش آن شده‌اند، نشان‌دهنده رشد روزافزون این احساس مسئولیت و بلوغ برخوردشان در رویارویی با نابسامانی‌ها و مشکلاتی است که زائیده مرحله تکاملی و در حال گذار سازمان است.

تا آنجا که در توان ما بود به سئوالات رفقا پاسخ گفتیم سعی کردیم مسائل را تا آنجا که برایمان روشن بود و مطابق اطلاعاتی که در اختیار داشتیم، با آنها در میان گذاریم و تا حد ممکن موضوعات مختلف را به کمک یکدیگر بشکافیم.

وقتی که موقعیت کلی سازمان را با رفقا در میان می‌گذاشتیم، وقتی که می‌گفتیم سازمان در آستانه یک تحول کیفی، در آستانه گذار از خودانگیزگی به آگاهی، در آستانه گذار از بی‌برنامگی به حرکت آگاه و با برنامه است، وقتی که بیان می‌کردیم لازمه این امر دستیابی و انکاء بر مارکسیسم لنینیسم مبتناه تبیین تئوریک بیش از دو قرن مبارزه پرولتاریاست باید آن را آموخت و به خدمت تغییر

واقعیات گرفت، وقتی که می‌گفتیم جنبش کمونیستی جهانی را نمی‌باید صرفاً مشتی انحراف و تجدیدنظر به حساب آورد، می‌بایست ایمان داشت که سوسیالیسم وجود دارد، مارکسیسم - لنینیسم وجود دارد و باید که با کار خلاق تئوریک، با شرکت هرچه فعال‌تر در مبارزه طبقاتی طبقه کارگر، با نقد خلاق و استفاده از همه تجارب تئوریک و پراتیک جنبش جهانی کمونیستی تا به امروز آن را شناخت و در جهت انطباق خلاقش بر شرایط میهن خودمان حرکت کرد، وقتی که توضیح می‌دادیم تعیین موقعیت‌مان در جنبش جهانی کمونیستی به معنای آن نیست که دنبالمروی این یا آن باشیم وقتی که توضیح می‌دادیم چگونه سازمان باید با تمام توانش در جهت دستیابی به حد و مرز مشخص سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی حرکت کند و چه مشکلاتی در این راه پریچ و خم فرارویمان است، وقتی که از مرزبندی‌مان با اپورتونیسیم چپ و راست صحبت

می‌کردیم، وقتی تجارت دوساله خود را در کارخانه‌ها روستاها، ترکمن صحرا و کردستان برای رفقا توضیح می‌دادیم، احساس می‌کردیم مشکلات، بیش از پیش در می‌یابند. نگرانی‌شان کاهش می‌یابد و انرژی‌شان آزاد می‌گردد.

زمانی که اشتباهات مان را با رفقا در میان می‌گذاشتیم و خطاها و کمبودها را می‌پذیرفتیم و بالاتر از آن زمانی که می‌پذیرفتیم انتقاد و انتقاد از خود باید در گسترده‌ترین سطوح و به اساسی‌ترین شکلی در سازمان متحقق شود، هنگامی که علل و شرایط کمبودها و نارسائی‌های موجود را توضیح می‌دادیم و رابطه آن را با دوره انتقالی سازمان روشن می‌کردیم، زمانی که می‌پذیرفتیم عقب‌ماندگی‌ها زیاد است، ابهامات سیاسی - ایدئولوژیک فراوان است - حل دشواری‌ها انرژی عظیمی را می‌طلبد و باید که هر یک از ما ذره‌ای از این انرژی بنیان‌کن باشیم، هنگامی که با رفقا به این نتیجه می‌رسیدیم که بایستی دست در دست هم بازو به بازو متکی بر پرولتاریا و پیشاپیش آن به سوی آرمان سوسیالیسم پیش بتازیم، در چشم‌های

رفقای مان برقی از محبت گلایه‌آمیز می‌دیدیم.

رفقای بروجرد نیز وضعیتی کامابیش مشابه داشتند. دو تن از رفقا با آنها جلسه مشترکی تشکیل دادند. در آنجا نیز نگرانی، آرزو، امید مسئولانه به آینده سازمان، حساسیت و موشکافی امیدوار کننده رفقا نسبت به هر آنچه که سازمان می‌گوید و انجام می‌دهد، تلاش قابل تحسین‌شان در جهت برقراری یک رابطه آگاهانه با سازمان خود، حرکت به سوی کار خلاق سیاسی - ایدئولوژیک و... به وضوح دیده می‌شد. در راه بازگشت همه چیز ابعادی دیگر به خود گرفته بود: تهیه‌های سرسبز هزار و هزار بار زنده‌تر می‌نمود، زندگی و تحرک عمق و معنایی دیگر یافته بود، احساس می‌کردی قلب زمین می‌تپد. پرواز آن پرنده به دور دست آسمان، خورشید که بر فراز " گرین " حرارت گرمی‌بخش خویش را بر دشت و بر پیکر عربان تخته‌سنگ‌ها می‌پاشید همه و همه آینده‌ظرف‌نمون را نوید می‌دادند. سراسر وجودمان را این گرمی امید به آینده انباشته بود.

خوب که نگاه‌های کنی، ناچشم کار می‌کند زمین زیر آسمان باز در جوشش و شوق باروری است. با این همه بی‌حاصل و نابکار رها شده است. یکی از رفقا می‌گوید: زمانی که حکومت کارگران برقرار شود، هر وجب از خاک میهنمان را به اسباب سعادت زحمتکشان تبدیل خواهیم کرد.

او غمگین به زمین بی‌حاصل اما مشتاق باروری نگاه می‌کند و امیدوار به آینده می‌اندیشد. آری، رفیق من! زمانی که همه قدرت به کارگران و دهقانان تعلق گرفت حتی یک وجب از خاک دوست داشتنی میهنمان را بلااستفاده نخواهیم گذاشت تا آن زمان باید که صف در صف، استوار و خلل‌ناپذیر، کوره‌های قله سوسیالیسم را با هزار افت و خیز، با پیروزی، شکست، باز شکست و باز و باز پیروزی و شکست و سرانجام... پیروزی درنوردیم. راه صاف و همواری پیش روی ما نیست اما به کمک هم، رفیق من! تردید نداشته باش که قله سوسیالیسم را فتح خواهیم کرد!

\*\*\*

### دستاوردهای انقلاب و سوسیالیسم

## مشکل مسکن در کوبای انقلابی...

بقیه از صفحه ۱۱

بیش از سه‌چهارم کل خانه‌ها در کوبا در اجاره بودند.

دولت انقلابی در همان ماه اول قانونی تصویب نمود که مطابق آن مبلغ اجاره‌خانه‌ها کاهش داده شد. مقادیر کاهش اجاره‌بها با توجه به وضع زحمتکشان از ۵۰ درصد کاهش در اجاره‌بها برای اجاره‌های زیر صد دلار و تا ۳۰ درصد اجاره‌بها برای اجاره‌های بیش از ۲۰۰ دلار تغییر می‌کرد.

خانه‌های خالی و احتکار شده به سرعت شناسائی و بین خانواده‌ها توزیع شدند. قانون رفم شهری در اکتبر ۱۹۶۰ مالکیت را از قشر زائد صاحب‌خانه‌ها سلب نمود و به مستاجرین اجازه داد تا ظرف مدت ۱۰ تا ۱۵ سال مالک خانه خود شوند. در این مدت اجاره‌خانه به عنوان اقساط به دولت پرداخت می‌شد. مسئله ارث در مالکیت خانه‌ها منقضی شد و تنها در موارد خاصی فرزندان در اشغال مجدد خانه اولویت داشتند. بدین ترتیب بورس‌بازان زمین و ساختمان به سرعت نابود شدند و ظرف ۱۲ سال پس از انقلاب سه چهارم خانواده‌ها مالک خانه خود بودند و ۱۰ درصد مردم نیز در شرایطی قرار گرفتند که بعد از مدتی صاحب خانه‌های خود شناخته می‌شدند.

در کوبا در اواخر دهه اول انقلاب علیرغم محدودیت منابع کشور، در بسیاری از واحدهای روستا نشین تغییرات اساسی به سود زحمتکشان صورت گرفت. در سال ۱۹۷۰، ۲۵۰ دهکده توسط دولت انقلابی ایجاد شده که جمعیت آنها از کوچ داوطلبانه افراد به وجود آمده بود. این دهکده‌ها اکنون به خاطر خدمات پیشرفته و تسهیلات گوناگون‌شان در واحدهای شهری گروه‌بندی شده‌اند.

در کوبای انقلابی پس از مدتی خانه سازی در شهر شدیداً محدود شد و تنها در برخی موارد ضروری به این کار اقدام می‌شد که در رابطه با احتیاجات صنایع نوپا بود. به عنوان مثال بین سال‌های ۷۰-۱۹۶۶ خانه‌سازی در هوانا به طور کامل تعطیل گردید. در عوض آنچه که در کوبا توسعه بیشتری یافته شهرهای با جمعیت بین ۲۰ تا ۱۰۰ هزار نفر و هم‌چنین واحدهای کوچک روستا نشین با سرویس و خدمات کامل است. جمعیت شهرنشین کوبا که در سال ۱۹۵۳ نیمی از جمعیت کوبا را تشکیل می‌داد، در سال ۱۹۷۰ به ۶۰ درصد جمعیت رسید.

در سال ۱۹۷۰ مشکل عمده گسترش فعالیت‌های خانه‌سازی در کوبا، کمبود کارگر بود. برای مقابله با این مسئله تیم‌های سازندگی جدید و دائمی به وجود آمدند. در عین حال تیم‌هایی نیز به صورت داوطلبانه زیر نظر کمیته دفاع از امر انقلاب در کار ساختمان‌سازی مشارکت داشتند. هزاران کارگر و محصل در ساعات فراغت خود در امر خانه‌سازی شرکت فعال می‌کردند.

در سال ۱۹۷۱ برای گسترش مشارکت توده‌ها در امر خانه‌سازی، گام جدیدی برداشته شد. این برنامه عبارت بود از تشکیل گروه‌های کوچک خانه‌سازی. کارگران هر موسسه خود به تنهایی و

با همکاری موسسات دیگر یک تیم خانه‌سازی تشکیل می‌دادند. گروه کوچک معمولاً از ۳۰ نفر تشکیل می‌شد که موقتاً از شغل اصلی خود منتقل می‌شدند و تحت سرپرستی دو سه نفر کارگر با تجربه ساختمانی به خانه‌سازی می‌پرداختند. این انتقال بسته به ماهیت پروژه بین یک تا دو سال به طول می‌انجامید. ظرف این مدت تولید به وسیله اضافه‌کاری سایر کارگران ثابت می‌ماند. کار این گروه‌های کوچک آنقدر گسترش یافت که در سال ۷۶-۱۹۷۵ راندمان یکساله ۱۲۰۰ گروه کوچک با نیروی کار ۲۵۰۰۰ کارگر به تولید بیش از ۲۷۰۰۰ واحد مسکونی رسید.

در کوبا اولویت‌ها در بخش ساختمان بسیار زود شناخته شدند. تاکید اساسی بر زیرساخت‌های بخش کشاورزی مثل ساختن سدها و توسعه شبکه راهسازی در مناطق روستائی قرار داشت. ساختمان برای خدمات بهداشتی و آموزشی و احداث ساختمان‌های صنعتی و توسعه تسهیلات شهری در رده اول قرار داشتند و خانه‌سازی عملاً در مرحله دوم قرار داده شد تا بدین‌وسیله حرکت اساسی در جهت ساختمان تولید سوسیالیسم انجام گیرد. با این همه دستاوردهای انقلابی کوبا در زمینه حل مسئله مسکن جزو نودستای برجسته جهان معاصر می‌باشد.

مقایسه برنامه حل مسئله مسکن در کوبا و جریان رو به افزایش کرایه خانه و تشدید مشکل مسکن در ایران ظرف ۱۹ ماهه اخیر به خوبی نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با یک برنامه انقلابی مسئله مسکن در ایران را حل نمود. این مقایسه در عین حال دلیل ناتوانی جمهوری اسلامی ایران را در برداشتن گام‌های اساسی برای رفع مشکلات زحمتکشان آشکارتر می‌کند.



درگیری خونین بین زحمتکشان

روستاهای دولت آباد، اسکیل و کاهو نتیجه سیاست های تفرقه افکنانه روحانیت مرتجع و استنادار

آنها باید بدانند که سرمایه داران و زمین داران بزرگ و حامیان آنها در میان مسئولین و سازمان های دولتی سعی دارند زحمتکشان را به جان هم بیاورند و خود در این میان به غارت و چپاول هرچه بیشتر بپردازند زحمتکشان "دولت آباد"، "کاهو" و "اسکیل" باید بدانند که راه نجات شان به در کشت و کشتار یکدیگر بلکه در وحدت و اتحاد هرچه بیشتر آنهاست. به جای آنکه بر روی هم اسلحه بکشند، باید در شوراهای خود متشکل شوند، شوراهای روستاهای مختلف را با هم متحد گردانند و از این طریق همه با هم، مسئولین پولتی را وادار نمایند که با ایجاد سدی بر روی رودخانه هرچه سریع تر مسئله آب را در منطقه حل کنند.

که در "دولت آباد" زمین دارند، با استفاده از خود زحمتکشان این روستا را به قطع آب دیگر روستاهای منطقه تشویق می نمایند و آنها را مسلح می کنند در این میان استنادار خراسان سیر برخلاف خواست و اراده برحق اکثریت زحمتکشان دایر بر تقسیم متناسب آب، سیاست تفرقه افکنی بین روستائیان را در پیش می گیرد استنادار قطع آب را مورد تأیید قرار می دهد و به این ترتیب به قول یکی از زحمتکشان منطقه، سند قتل و آوارگی حدود ۸ هزار روستائی و نیز نابودی محصولات کشاورزی را امضاء می کند.

زحمتکشان "دولت آباد"، "کاهو" و "اسکیل" باید با هشیاری خود این سیاست های ضد مردمی را خنثی کنند.

روز یکشنبه ۲۹ خرداد ۵۹ زحمتکشان روستاهای "اسکیل"، "کاهو" و "دولت آباد" واقع در ۳۵ کیلومتری جاده مشهد- قوچان به روی هم اسلحه کشیدند و ۵ کشته و تعداد زیادی مجروح برجای گذاشتند.

این چندمین بار است که پس از قیام بین اهالی روستاهای فوق درگیری پیش می آید. علت درگیری ها به ظاهر اختلافاتی است که بر سر تقسیم آب بروز می کند اما با توجه به اینکه مشکل آب در این منطقه مشکلی قدیمی است، ولی هیچ گاه تا به این درجه خاد نشده است، بایستی علت درگیری های اخیر را در جای دیگر جستجو کرد.

واقعیت این است که حجت الاسلام ابوالحسن شیرازی و چند روحانی دیگر

ید.

توطئه ای است علیه طبقه کارگر و اقدامی است در جهت تضعیف انقلاب. کارگران پیشرو و آگاه باید تمامی تلاش خود را در جهت افشای این گونه اقدامات نفاق افکنانه و ضد کارگری به کار برده و با حفظ هشیاری و منانت انقلابی، مبارزه های پیگیرانه را علیه سیاست ها و اقدامات تفرقه افکنانه، سازمان داده و با تصفیه پاکسازی انقلابی عناصر وابسته و مزدور، اتحاد و یکپارچگی صفوف کارگران را تضمین نمایند.

مبارز و آگاه و هم چنین توطئه انحلال شوراهای تنها به سود امپریالیسم و نیروهای ضد انقلابی است.

"اتحاد شوراهای کارگران گیلان" طی اطلاعیه کوتاهی در اعتراض به مسئله اخراج و "پاکسازی" چنین نوشته است:

"کارگران خواهان پاکسازی انقلابی ساواکی ها، عناصر ضد کارگر و مزدوران وابسته به رژیم گذشته هستند نه اینکه به نام پاکسازی اقدام به اخراج و دستگیری

بقیه از صفحه ۷

### فمی گذاریم حق مان را

نمی گذاریم حق مان را بیش از این پایمال کنند. همانطور که تا حالا با اتحادمان قدم هائی در این راه برداشته ایم، مبارزه مان را به پیش می بریم تا دست این پیمانکاران ضد کارگر و ضد پیش از شرکت کوتاه شود.

کارگران مبارز شرکت گاز کورزین هم اکنون دو خواست زیر را به عنوان گام های اولیه برای پیشبرد مبارزه شان مطرح کرده اند:

- ۱- رسمی شدن کارگران پیمانی
- ۲- ایجاد کلاس های سواد آموزی از طرف شرکت

در حال حاضر خواست رسمی شدن کارگران و تحقق آن گامی است موثر و عملی در جهت تحکیم هرچه بیشتر اتحاد کارگران و تقویت صفوف شان در مبارزه برای کوتاه کردن دست پیمانکاران از شرکت.

داده ایم حتی اگر این خواست ما نیز به زودی برآورده نشود، باز ما به مبارزه مان ادامه خواهیم داد چون در جریان مبارزه است که به آگاهی های بیشتری دست می یابیم و معنی اتحاد و تشکل را درک می کنیم. همانطور که در همین مبارزات اخیرمان متوجه شدیم که کارگران تنها با اتحاد و یکپارچگی و هشیاری انقلابی شان می توانند به خواست های انقلابی خود برسند و گرنه سرمایه داران اگر ما دست روی دست بگذاریم و چیزی نگوئیم، به هیچ وجه حقی به کارگران نخواهند داد.

من انتظار دارم که اگر روزنامه کار نوشته مرا مفید دانست جهت آگاهی سایر کارگران میهنمان این را چاپ کند و بنویسد که کارگر متحد و متشکل همه چیز است و کارگر پراکنده هیچ چیز!

دروود بر کارگر  
دروود بر فدائی

بقیه از صفحه ۴

### کارگر متحد همه چیز

یک زبان بدون ذره ای تفرقه در مقابل توطئه های سرمایه داران ایستاده ایم و باکی از این توطئه ها نداریم ما با پشتیبانی از نمایندگان مان در ۲۵ تیر توانستیم از کارفرما تعهد بگیریم که تا یک ماه دیگر حقوق و مزایای عقب مانده همه کارگران را بدهد. البته کارفرما خیلی سعی داشت با فریبکاری از دادن حق ما شانه خالی کند. به هزار چهره درآمد ولی ما با اتحاد و هشیاری مان توانستیم چهره های مختلف سرمایه دار را بشناسیم و گولش را نخوریم و بالاخره به خواست های اولیه مان رسیدیم نمایندگان ما حالا تلاش دارند شعار مصادره و ملی کردن شرکت را به پیش برند، ما کارگران نیز پشتیبانی کامل خود را در عمل از نمایندگان مان نشان

نامه یک کارگر

### کارگر متحد همه چیز

کار که مراجعه کردیم، جانب کارفرما را گرفت. البته انتظاری هم نداشتیم چون اداره کار، اداره کارگر که نیست بلکه اداره کارفرماست برای این گفته ام از هزار دلیل یک دلیل را می آورم: ما در تاریخ ۱۱ خرداد طی شکایتی که قبلا کرده بودیم به دادگاه احضار شدیم و در این دادگاه اداره کار تأکید کرد که فقط مزایای دو سال از ۶ سال کارمان را به ما بدهند که ما قبول نکردیم و کار ما به دادگاه انقلاب کشید و بالاخره مجبور شدند به اعتراض مان توجه کنند. یعنی دادگاه انقلاب سعی کرد اداره کار را از خر شیطان پائین بیاورد. در ادامه باید بگویم که کارفرما و رئیس کارگاه و حسابدار خیلی سعی می کنند به هر حقه و کلکی که شده ما را دست به سر کنند ولی ما هشیاریم و یکدل و

همه کارگران را اخراج خواهند کرد. دور هم جمع شدیم و ۳ نفر نماینده از درون خودمان انتخاب کردیم و سپس هم ما و هم نمایندگان قسم خوردیم که پای حق خودمان که هم در رژیم سابق و هم در رژیم فعلی پایمال شده، بایستیم. کارفرما ادعا می کرد که در بیان و تویسرکان طرح تازه ای را شروع کرده است و اگر کار اینجا تمام شود ما را به آنجا منتقل خواهد کرد و منظورش این بود که جلوی حرکت اعتراضی ما را بگیرد. ما بعد از انتخاب نمایندگان مان خواست های اولیه خود را مطرح کردیم. دفترچه بیمه خواستیم که کارفرما به هر نحو می خواست از زیر بارش دربرود و می گفت "من لیست شما را فرستادم. سازمان بیمه معطل می کند. دفترچه های پیمان را نمی دهد." به بیمه مراجعه کردیم، گفتند "به محض اینکه لیست بفرستند، ما اقدام می کنیم تا حالا لیستی به دست ما نرسیده! به اداره



## زحمتکشان اطراف جاده ساوه یکبار دیگر نشان دادند که به نیروی اتحاد میتوان دشمنان مردم را به زیر کشید

که بابت آب از آنها گرفته شده است، پس داده شود. مردم مبارر منطقه با اتحاد و پیگیری و ار طریق نمایندگان خود سرانجام موفق می شوند دو قطعه ۴۵۰ متری زمین و مبلغ ۲۰۰ هزار تومان پول برای ساختمان مدرسه و نیز یک چک ۵ میلیون تومانی برای عمران منطقه از حاج ناصر بگیرند و نیز او را وادار نمایند که آب منطقه را مجانی تامین نماید. آنها با این اقدام پیروزمندانه خود یکبار دیگر نشان دادند که زحمتکشان با وحدت و اتحادشان هر دشمنی را می توانند به زیر بکشند.

اخیرا ساکنین محل که ار زورگویی "حاج ناصر" به جان آمده اند و مراجعات مکررشان به او بی نتیجه مانده است تصمیم می گیرند که به زور حق خود را از او بستانند. به همین منظور در روز ۱۱ مرداد ۵۹ تظاهراتی ترتیب می دهند و با شعار:

**مرگ بر سرمایه دار**  
**"حاج ناصر سرمایه دار**  
**اعدام باید گردد"**

به کمیته منطقه مراجعه می کنند و مصادره زمین های کلیه زمین داران منطقه از جمله "حاج ناصر" را خواستار می شوند. آنها هم چنین می خواهند که همه پول هایی

"حاج ناصر، منبع حاشی" "علی ملاحی" "حاجزاده" و... از زمین خواران سرری مناطق اطراف جاده ساوه هستند که سالیانه زحمتکشان این مناطق را تحت فشار سید فرار داده اند. از جمله ساکنان کوی "محمدی"، "ببین" "مهدیه" و "باغ فیض"، "سمن" و زورگویی "حاج ناصر" را با گوشت و پوست خود حس می کنند. این شخص با سوء استفاده از فقدا آب در منطقه و با احداث چند حلقه جاده عمیق سروشت مردم را در دست گرفته است و با بولی که بابت آب از آنها می گیرد. هسی شان را چاول می کند

### شهردار بندرعباس دستور داده است که آب و برق را به روی زحمتکشانی که از روستاها آواره شده اند، ببندند

فوق الذکر خودداری" شود. آقای شهردار بندرعباس به این ترتیب زحمتکشان بسیاری را از حیاتی ترین وسیله زندگی یعنی آب و برق در شهری با شرایط بندر عباس محروم می کند. شهردار بندرعباس به عنوان نماینده رژیم جمهوری اسلامی با این اقدام ضد مردمی خود دهها بیمار و کودک تازه متولد شده را در گرمای ۴۰ درجه، در رطوبت کشنده شهر به مرگ حتمی محکوم می کند. باید به جای کشتار زحمتکشان با این اقدامات وحشیانه علت مهاجرت روستائیان به شهرها را از بین برد. باید با ایجاد کار در روستا، با احیاء کشاورزی و با تامین وسایل مورد نیاز زحمتکشان روستا از قبیل زمین، آب کود، بذر سم، ماشین آلات و غیره زندگی آنها را تامین نمود تا مجبور نباشند آواره شهرها شوند.

شهردار بندرعباس، آقای کارگران، اخیرا طی ابلاغیه ای که متن آن در نشریه "زحمتکشان خلیج"، ارگان هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) در استان ساحلی به چاپ رسیده است، عنوان می کند که در سه منطقه شهر بندرعباس "افرادی غیر مسئول و مهاجرین روستاها در زمان انقلاب و بعد از آن بطور بی رویه اقدام به تصرف اراضی و احداث اتاق و ساختمان نموده اند که در آینده مشکلات فراوانی برای شهرداری و دیگر ارگان های استان ایجاد خواهد نمود و خسارات غیرقابل جبرانی به بیت المال وارد می شود. از نظر آقای شهردار که هم چون دیگر مقامات جمهوری اسلامی مدام سنگ مستضعفین را نیز به سینه می زند، روستائیان زحمتکشی که از فرط فقر و گرسنگی آواره شهرها می شوند، برای فرار از گرما و رطوبت طاقت فرسای بندرعباس زمین هایی را که حق مسلم آنهاست، مصادره می کنند تا سرپناهی برای خود تهیه نمایند، غیر مسئول و هرج و مرج طلب هستند. "خسارات غیرقابل جبران به بیت المال وارد می آورند و بنابراین باید به شدیدترین وجه سرکوب شوند به همین علت است که دستور می دهد: "از دادن انشعاب آب و برق به ساکنین مناطق

### دست اربابان زالو صفت و حامیان نشان از سر دهقانان زحمتکش کوتاه!

چماق داران به حمله، تعقیب و دستگیری دهقانان زحمتکش با دستگیری و اذیت و آزار افراد زخمی که به بیمارستانها مراجعه کرده بودند، نقش سرکوبگرانه خود را به نمایش گذاردند و علنا نشان دادند که از منافع اربابان و زمینداران بزرگ دفاع می کنند. لیکن مبارزه زحمتکشان روستای "حمید" علیرغم سرکوبها و توطئه ها ادامه خواهد یافت. آنها همچنان برای حفظ و تقویت شورای واقعی شان و برای نگهداری زمین هایی که به قدرت وحدت و اتحاد خود مصادره کرده اند، به مبارزه ادامه می دهند. مبارزه آنها جزئی از مبارزات همه جاسه کارگران و دهقانان سراسر ایران برای نابودی زمینداران بزرگ و سرمایه داری در ایران است. آنها در این مبارزه پیروز خواهند شد.

پس از سرنگونی رژیم صد خلقی پهلوی، زحمتکشان روستای "حمید" از توابع میاندوآب زمین های "فیروزخان کسری" ارباب روستا و خواهرزاده "مقدم مراغه ای" حاکم امریکا را مصادره کردند. آنها با انتخاب حامی سوری واقعی خود را سر سنکیل دادند.

از زمان مصادره زمینها ساکنین ارباب با انواع دسیسه ها در پی آن بوده است که زمین های مصادره شده را پس بگیرد. آخرین توطئه او در این رصه در روز ۲۱ سر ماه ۵۹ صورت گرفت:

در این روز عده ای از مامورین "کمیته مامدوآب" به روستا می روند و از زحمتکشان ده می خواهند که برای رسیدگی به شکایت ارباب به کمیته بیاسد. ۱۱ نفر از روستائیان به عنوان

مابنده بقیه اهالی به مابندوآب می روند و در آنجا بدون آنکه کوچکترین صحبتی با آنها بکنند، مورد ضرب و شتم ماموران کمیته قرار می گیرند و ردائی می شوند. روز بعد روستائیان که از دستگیری نمایندگان خود مطلع شده بودند، برای اعتراض به این عمل روانه شهر می شوند و با شعار "مرگ بر ارباب"، "مرگ بر فیروز خان" و... به طرف کمیته راهپیمایی می کنند. آنها در مقابل شهرپا نی ما ماشین حامل نمایندگان رندایی خود روبرو می شوند، آن را محاصره می کنند و پس از درگیری با مامورین کمیته سرانجام موفق می شوند نمایندگان خود را آزاد سازند. در این جریان کمیته چپی های میاندوآب با تیراندازی هوایی، با مجروح کردن یکی از دهقانان از ناحیه پا، با تحریک

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند





بقیه از صفحه ۳

## پرسیدنی است که وقتی کارگران مخالف...

و در این شرایط به سود سرمایه‌داران است. آقای وزیر از این مسئله که کارگران در اساس با لگو این قانون موافق هستند، فریبکارانه تو؟ استفاده می‌کند که "برادران کارگر" با تصمیم وزارت کار و شورای انقلاب موافقاند. پرسیدنی است که اگر چنین است، پس بحث بر سر چیست؟! کارگران چندین بار تکرار کردند که اینکه ما در اساس با "لگو" قانون موافق هستیم، با معنای موافقتمان با "لگو" آن به نفع سرمایه‌داران در این شرایط نیست. آنها تاکید می‌کردند که سود ویژه بخشی از مزد کارگران است که در پوششی عوام فریبانه به آنها پرداخت می‌شده است، ولی آقای وزیر آگاهانه از توجه به این مسئله طفره می‌رود و به کلی گوئی می‌پردازد. بعلاوه پرسیدنی است و

شایسته بود که کارگران وزیر کار می‌پرسیدند که وقتی کارگران با "لگو" سود ویژه مخالف هستند، چه کسانی جز سرمایه‌داران عاملین این فشاری هستند که شما از آن نام می‌برید؟! وزیر کار پاسخی ندارد که در جواب این اعتراض بجای کارگران بدهد که "لگو" سود ویژه به این شیوه قبل از همه به سود سرمایه‌داران بخش خصوصی است چرا که آنان را از پرداخت حق کارگران معاف کرده است! مسئولین وزارت کار عنوان می‌کنند که این قانون فقط شامل ۸۵۰ هزار نفر از کارگران می‌شود، ولی نمی‌گویند که قانون مصوبه جایگزین آن نیز در مورد همین ۸۵۰ هزار نفر اجرا می‌شود نه در مورد سایر کارگران که مشمول آن قانون نبوده‌اند! باید مسئولین حزب

بقیه از صفحه ۲۰

## قطر راده از چه ساستی دفاع می‌کند؟

اظهار کرده‌اند اما همه کسانی که یک حو عقل در سر داشته‌اند، این ادعای سراسر دروغ امپریالیسم آمریکا را باور نکرده‌اند. مقامات کاح سفید واشنگتن و وزارت خارجه آمریکا برای پوشاندن ماهیت شورشیان افغانستان و فریب افکار عمومی کشورهای خود و منطقه خاورمیانه، بی‌بی ادعا می‌کنند که در افغانستان دخالت مستقیم ندارد و اینک قطب‌زاده این گفته‌های بی‌اساس را که امپریالیسم برای حفظ منافع خود برزبان می‌آورد، تکرار می‌کند. در صورتی که مردم آگاه منطقه از دخالت‌های مستقیم امپریالیسم آمریکا و دخالت‌های سرسپرده‌ترین دولت‌های آمریکا مثل عربستان سعودی، مصر و پاکستان در امور داخلی افغانستان اطلاع دارند و بدخوبی می‌دانند که این کشورها امروز به مراکز تربیت مزدوران آمریکایی که

بقیه از صفحه ۴

## بازرگان

### توطئه‌های جنایتکارانه امپریالیسم

بازسازی ارتش به شیوه سابق و حمایت از سرمایه‌داران در برابر کارگران و زحمتکشان بر بسیاری از مردم روشن شده است، باز هم به حکم ماهیت طبقاتی از سیاست‌های خود دفاع می‌کند. او نه‌ویژه خطر سرنگ‌ترین دشمن خلق‌های ایران و جهان یعنی امپریالیسم آمریکا را توطئه‌ای فرصی که کمونیست‌ها آن را علم می‌کنند، جلوه داده است. هم‌اکنون امپریالیسم آمریکا که از ۲۸ مرداد تاکنون صد‌ها هزار زحمتکش ایرانی را خانه‌خراب کرده و میلیون‌ها ایرانی را با فقر، بیماری و بیکاری و مرگ تدریجی روبرو ساخته و نمره روح کارگران و زحمتکشان میهن ما را به غارت برده است، تلاش دارد برای به شکست کشاندن انقلاب ایران، قسمت‌هایی از میهن ما را به کمک متحدان داخلی خود جدا سازد. هم‌اکنون شبکه‌های جاسوسی امپریالیسم آمریکا که در زمان

سخت‌وربری بازرگان تجدید حیات کردند، تبلیغات همه جانبه علیه انقلاب ایران و برای استقرار یک رژیم سرسپرده در همه‌جا گسترش داده‌اند. هم‌اکنون امپریالیسم آمریکا سیروهای صریحی خود را برای حمایت از متحدان داخلی خود در اطراف ایران متمرکز ساخته و بسیاری از کسانی که به خاطر "دفاع بازرگان از آزادی"، "آزاد" شدند، در مرزهای ایران از جاب امپریالیسم آمریکا سازماندهی می‌شوند تا در فرصت مناسب برای سرکوب مردم ایران وارد عمل شوند. اما بازرگان این کهنه سرمایه‌دار کارگشته هموز هم با بی‌شرمی تمام توطئه‌های امپریالیسم آمریکا را "توطئه‌های فرصی" می‌چینی‌ها اختراع کرده‌اند، می‌خوانند! و تلاش دارد امپریالیسم و متحدان داخلی آن را تیره و شرکایش و همه مدافعان

و مردم را از "بمب اتمی آمریکا و قدرت بی‌بیان" آن نرسانده است. بازرگان در سراسر نامه سرگشاده خود به حق به این نکته اشاره کرده است که او مستخ امام بوده و در مدت تصدی نخست‌وزیری‌اش مورد حمایت ایشان و بسیاری از کسان دیگری که امروز سیاست‌های او را به زبان انقلاب می‌دانند، بوده است. او بدین وسیله تلاش کرده است با خاطرنشان ساختن این حقیقت که آنها سبز در سیاست‌های او سیم داشته‌اند، آنان را از انتقاد بیسر و فشار بیشتر بر لیبیرال‌ها بازدارد. به اعتقاد ما هرگونه مآشات در برابر سمرال‌ها خطرات حدی برای انقلاب ایران دربردارد. بازرگان و شرکا هموز یک‌نیروی جدی که مسرود حمایت امپریالیسم آمریکا هستند محسوب می‌شوند. آنها زیرکانه در کمپر شسته‌اند که در فرصت مناسب و هنگامی که بارضایتی نژدها از ساستی‌های حکومت به درجه معینی رسید، دوباره برای "اصلاح‌امور" سخنان‌های اصلی قدرت‌را در دست‌گیرند

مخالفت برخاستند و "با عنوان کردن لگو قراردادها و وابستگی‌ها و با پرتاب تیرهای تهمت و تضعیف برای متصدیان و مامورین دولت را به کارهای دفاعی و منفی مشغول ساختند و "احیا" و اصلاح ارتش و نیروهای انتظامی را مانع شدند و "از به راه افتادن چرخ‌های اقتصاد و اداره مملکت جلوگیری" کردند. "توطئه‌های فرصی امپریالیسم را که برای آنها اصالت دارد و دشمن شماره یک مکتبی‌شان می‌باشد، پیش" کشیدند. روشن است که در پیشاپیش همه سیروها، انقلابیون کمونیست در برابر سیاست سارش با امپریالیسم آمریکا به مقابل برمی‌خیزد و سیاست‌های صدام‌قلابی کسانی را که می‌خواهند وضع را به صورت سابق بازگردانند اقتضا می‌کنند و مشت امیر انتظام‌ها و بازرگان‌ها را باز می‌کنند. بازرگان حتی امروز هم که سیاست‌های مخرب او انقلاب سکومند ایران را با خطرات جدی روبرو ساخته و تأثیرات خامان‌سور سیاست حمایت از سازمان‌گان رژیم سابق،

# اعدام انقلابیون کمونیست، لکه ننگی بر دامن جمهوری اسلامی

## با آرمان خلق

نه . . . .  
باور نمی گنم  
آن شعله شگفته زیبا را  
در دستهای مرگ .  
وقتی شگوه و شوکت رفتارش  
هر لحظه در برابر چشم می درخشید  
و آن لحظه های خوب و صمیمی را  
در باورم همیشه نگه میدارد  
من شوکت شهادت نامش را  
آواز رهگشای گلآمش را  
در رمز و رازهای درخت و آب  
در بستر ترانه شالیزار  
در سبزی و طراوت سبزینه های چای  
در ساقه های گندم ، فولادهای گار  
در شعر و در شطرنج خیابانی  
در باور خجسته مردم می بینم  
هرچند با تمام وجودم ،  
حس می گنم

آن لحظه های در بدر و سوگوار را  
و با تمام وجودم ، می دانم  
انگشت های ساکت و غمگینم  
گرمای مهربان تنش را دارند  
از لحظه های ماندن و رفتن

اما

با اینهمه

باور نمی گنم  
آن بزرگ نازنین جوان !  
در دستهای مرگ .  
نیلوفران آبی مرداب می دانند  
چشمان عاشقش  
زیبائی شگفته نیلوفرانه را  
با لحظه های سرخ و درخشانش -

می فهمید

و آوازه های رشد شقایق را  
زیباتر از همیشه -

می شنید

نیلوفران مرداب  
در انتظار دیدن آن چشم اند .



نامش نشانه ایمان و اعتقاد اوست . فدائی خلق است و در راه آرمان طبقه کارگر بیکار می کند . در کارخانه ها و در گندمزاران او را می شناسند . یاد می دهد و یاد می گیرد تا فردای بهتری را بنیان نهد .



بر نام و اعتقادش وفادار است و در برابر دشمنان طبقه کارگر با قامتی به بلندی فریاد ، قد می افرازد و از ستاره خورش جراغ می افروزد .

بقیه از صفحه ۲۰

# چگونه دشمنی با کمونیستها

دلایل واهی درکنار دزدان، قاچاقچیان و مزدوران وابسته به امپریالیسم محاکمه می‌کنند و آنها را در کنار همین قاچاقچیان حرفه‌ای، دزدان و مزدوران سرسپرده به جوخه اعدام می‌سپارند.

راستی چرا جمهوری اسلامی ایران باید روش‌هایی در سراسر ایران مورد

اطلاعیه انجمن اسلامی دانشجویان در انگلیس

**دادگاه انگلستان بمنظور تحقیر نمودن دانشجویان آنها را در کنار دزدان و جنایتکاران محاکمه کرد**

بسم الله الرحمن الرحيم

ان الذين قالوا: اللهم انما استغفروا ننزل عليهم الملائكة الانحاثا ولا نحزروا

ملت شهید پرور ایران یازدهم مرداد است که از اسارت فرزندان عزیز ما از زندان‌های انگلستان میگذرد سولهایانی که تنها بدلیل ورود عزیزان ما از اسباب ضروری تنی است و دانشجویان را از گفیه امکانات واقعی محروم گردانند و این حاکمان اسلام عزیز و انقلاب (انقلاب اسلامی ۲۵ مرداد) ۲

**۲۶ قاچاقچی و مفسد فی الارض اعدام شدند**

در مشهد اهواز، زاهدان، قزوین و تبریز:

**۸ مفسد فی الارض در اهواز اعدام شدند**

۱- امیر علی محمد فرزند علی معروف به پوری ۲- امیر علی محمد فرزند علی معروف به پوری ۳- امیر علی محمد فرزند علی معروف به پوری ۴- امیر علی محمد فرزند علی معروف به پوری ۵- امیر علی محمد فرزند علی معروف به پوری ۶- امیر علی محمد فرزند علی معروف به پوری ۷- امیر علی محمد فرزند علی معروف به پوری ۸- امیر علی محمد فرزند علی معروف به پوری

جمهوری اسلامی ۱۶ شعبان ۱۴۰۰ شماره ۲۱۰ - سال دوم

# فدایی خلق دکتر نوبنی سادر قلب کارگران و زحمتکشان جا دارد



پزشک انقلابی خلق، دکتر نوبنی سادر قلب دردمند زحمتکشان روستا را بهبود می‌بخشد و این جرمی است که به خاطر آن، قلب مهربانش توماچوار آماج تیرهای فراوان می‌شود.

که ماهیت واقعی چنین جنایاتی و علت‌های واقعی این‌گونه اعدام‌ها را از توده‌های مردم پنهان سازد. آنها با محاکمه انقلابیون در کنار قاچاقچیان حرفه‌ای و مزدوران وابسته به امپریالیسم در پی تحریف واقعیات مربوط به اعدام‌های جنایتکارانه انقلابیون - که اینک در سراسر میهن به انجام می‌رسانند - می‌باشند اعدام انقلابیون کمونیست هرچند ضربات دردناکی بر مبارزات خلق وارد می‌سازد، هرچند تنها و تنها به سود امپریالیسم جهانی تمام می‌شود، اما بدون شک هرگز قادر نخواهد بود حقانیت تاریخی آرمان‌های آنان را که همان آرمان کارگران و زحمتکشان می‌باشد، با شکست مواجه سازد.

پرچی که از خون دکتر نوبنی سادر قلب گشوده است، سرانجام در دستان پرتوان طبقه کارگر برافراشته خواهد شد و آن روز، روز مرگ واقعی امپریالیسم در میهنمان خواهد بود.

مشغول بود با خشم و کینه این عمل جنایتکارانه دادگاه‌های انقلاب اسلامی اهواز را محکوم ساختند. بسیاری از پزشکان، پرستاران و ... به اعدام فدائی خلق دکتر نوبنی سادر قلب گردیدند. دادگاه شرع اهواز کوشید برای توجیه اعدام جنایتکارانه رفیق شهید، دکتر نوبنی سادر قلب، انقلابی، وابسته به بیگانه و دشمن مردم معرفی کند اما مردم مبارز و آگاهی که فدائیان خلق را می‌شناسند، زحمتکشانی که نوبنی سادر قلب را از میان آنها بر خاسته بود و سال‌ها با عشق به آنها در میان‌شان زیسته بود، زنان و مردان زحمتکش جنوب، کودکان و جوانان و پیرانی که نوبنی سادر قلب را می‌شناختند و او را فرزندی از سلاله خود می‌دانستند، جنایتکاران را باز کردند. اخیراً وصیت‌نامه رفیق شهید، دکتر نوبنی سادر قلب، دیگری از وفاداری و عشق فدائی به زحمتکشان است،

مردم می‌شوند. نتیجه چنین عملی این است که امپریالیسم انگلستان برای بی‌اعتبار ساختن انقلابیون ایرانی، آنها را در کنار دزدان و جنایتکاران محاکمه می‌کند و جمهوری اسلامی ایران هم عیناً به چنین روش‌هایی متوسل می‌شود. آری! دشمنی با کمونیست‌ها یعنی هم سوئی با

مردم می‌شوند. نتیجه چنین عملی این است که امپریالیسم انگلستان برای بی‌اعتبار ساختن انقلابیون ایرانی، آنها را در کنار دزدان و جنایتکاران محاکمه می‌کند و جمهوری اسلامی ایران هم عیناً به چنین روش‌هایی متوسل می‌شود. آری! دشمنی با کمونیست‌ها یعنی هم سوئی با

کمونیست‌ها را در نزد توده‌های مردم بی‌اعتبار ساخته و مانع اعتراض زحمتکشان نسبت به چنین اعمالی گردد. چنین سیاستی جمهوری اسلامی ایران را چه خواهد بود و چه نخواهد بود با امپریالیست‌ها هم سو می‌کند تا جایی که هر دو مجبور به استفاده از روش‌های یکسانی برای فریب

یورش‌های هم‌جانبه‌ای قرار داده و در مواردی این فرزندان انقلابی و پاک‌باخته خلق را به جوخه اعدام سپرده است و برای توجیه این اعدام‌های ضد مردمی مجبور است به مردم دروغ بگوید و کمونیست‌ها را در کنار قاچاقچیان و مزدوران وابسته به امپریالیسم قرار دهد. جمهوری اسلامی ایران "بدین وسیله می‌کوشد

را در پیش گیرد که امپریالیست‌های کینه‌کازی همچون امپریالیسم انگلستان از آن بهره می‌گیرند؟ همان‌گونه که بارها گفته‌ایم و امروز هم می‌گوئیم، واقعیت این است که چنین تشابهی تنها و تنها از دشمنی جمهوری اسلامی ایران با انقلابیون کمونیست ناشی می‌گردد. رژیم جمهوری اسلامی

ندایه خلق فدائی

روزی که در شان مردم تسلیم نماندیم

★ نادر ایازی

## گرامی باد خاطره رفقای شهید مرداد ماه

★ هالی هالی زاده

★ ونداد ایمانی

★ عبدالله قزل

★ سعید میر شکاری

★ فرامرز شریفی

★ فیروز شکری

★ فیروز صدیقی

★ مرتضی (امیر) فاطمی

★ مهدی فضیلت کلام

★ یوسف کشی زاده

★ غلامرضا بانزاد

★ قربانعلی پور نوروز

★ حسین اللهیاری

★ زین العابدین رشتچی

★ احمد زبیرم

★ فرخ سپهری

★ جهانبخش پایداری

★ محمد رسول عزیزیان

★ یونس شادمان

★ زین العابدین رشتچی

★ احمد زبیرم

★ فریدون شافعی

شهادت حساسترین فدائیان خلق، جلوه‌های درختان فدائاری و جانبازی در راه آرمان خلق است. این شهادت‌ها بختوانه اعتبار و حیثیت انقلابی جنبش کمونیستی ایران است. فدائاری‌ها و جانبازی‌های فدائیان خلق، ایمان عظیم انقلابیون کمونیست به رهائی خلق از سلطه امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا را بازگو می‌کند. ایمان عظیمی که امروز فدائیان خلق را وامیدارد با تمام توان انقلابی خود از انقلاب مردم و دستاوردهای انقلاب قاطعانه به دفاع برخیزند و پیروزی واقعی خلفای ایران را تدارک ببینند.

★ عبدالله سعیدی بیدختی

★ عباس جمشیدی رودباری

★ محمد صفاری آشتیانی

به مناسبت چهلمین روز شهادت رفیق نریمسا

فدایی خلق دکتر نریمسا

در قلب کارگران و زحمتکشان جا دارد



رفیق نریمسا، سروی که ایستاده مرد!

سنگ ۵۸۸ کیلوگرمی را به تنه خود زد و در راه شهادت کشته شد.

دکتر نریمسا

وصیت نامه رفیق نریمسا، لکه تنگی است بردمان جمهوری اسلامی

۱۶ مرداد چهلمین روز انقلاب اسلامی به جوخه شهادت دکتر اسماعیل اعدام سپرده شد. نریمسا پزشک انقلابی، به اعدام دکتر نریمسا موجی دست حاکم شرع اهواز از اعتراض برانگیخت. می‌باشد. دکتر نریمسا به زحمتکشان مناطق فقرزده همراه دانشجوی مبارز علوی "فجاجیه"، "حمیدیه" و شوشتری در روز جمعه ۶ تیر "حصیرآباد" اهواز که رفیق ماه ۵۹ پس از محاکمه در درمیان آنان به کار و زندگی پشت درهای بسته دادگاه بقیه در صفحه ۱۹

## چگونه دشمنی با کمونیست‌ها

### "جمهوری اسلامی ایران" را

### به تقلید از سیاست‌های امپریالیستی و امی دارد

آنها کمترین دشمنی را نسبت به نیروهای انقلابی سراسر جهان دامن می‌زنند و بلندگوهای امپریالیستی با تحریف حقایق، دروغ‌های بی‌شمارانه، ساسور و... کوشش می‌کنند تخم شقاق را در بین مردم جهان گسترش دهند. پس تعجبی نخواهد داشت که در پی چنین اهدافی دادگاه‌های انگلیس برای فریب مردم، دانشجویان انقلابی ایرانی را که به دفاع از انقلاب می‌باشند پراکنده‌اند، در کنار دزدان و جنایتکاران و هرزه‌گان محاکمه کنند.

اما مردم آگاه ایران می‌دانند و اتحادیه انجمن‌های اسلامی هم بداند که چنین شیوه‌ای تنها منحصر به امپریالیست‌ها نیست! رژیم جمهوری اسلامی ایران نیز مدت‌هاست که چنین شیوه‌ای را به کار گرفته است. دادگاه‌های انقلاب اسلامی در ایران (از جمله در اهواز و کرمان) مدت‌هاست که انقلابیون کمونیست را به

اکنون دیگر بسیاری از مردم میهن ما می‌دانند که امپریالیسم و سرمایه‌داری برای حفظ سیادت و اتحالی خود بر خلقهای کشورهای وابسته و طبقه کارگر کشور داسجویان انقلابی ایران اعرای کرده‌اند. آنها ضمن کثیف و ضد مردمی را به کار می‌گیرند. آنها با کثیف‌ترین داسجویان مسلمان ایرانی سوخته‌اند: " شما ای ملت شریف ایران بدانید برای سبک شمردن عزیزانتان آنان را در کنار جنایتکاران و دزدان محاکمه می‌کردند. " خود، جای ویژه‌ای دارد.

انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا طی اطلاعیه‌ای سست به اعمال فاشیستی دادگاه‌ها و لس امپریالیسم انگلستان در طول دستگیری و محاکمه داسجویان انقلابی ایران اعرای کرده‌اند. آنها ضمن کثیف و ضد مردمی را به کار می‌گیرند. آنها با کثیف‌ترین داسجویان مسلمان ایرانی سوخته‌اند: " شما ای ملت شریف ایران بدانید برای سبک شمردن عزیزانتان آنان را در کنار جنایتکاران و دزدان محاکمه می‌کردند. " خود، جای ویژه‌ای دارد.

### قطب زاده از چه سیاسی دفاع می‌کند؟

منطقه از دخالت مستقیم امپریالیسم آمریکا در خاور میانه و هم‌اکنون در افغانستان اطلاع دارند. این ادعای پوچ قطب‌زاده که امپریالیسم آمریکا در افغانستان دخالت ندارد را بارها مقامات امریکائی و کارشناسان و جاسوسان برجسته دولت آمریکا

قطب‌زاده در نامه‌ای که برای آندره گرومیو ارسال داشته در مورد افغانستان چنین گفته است: " ما می‌بینیم که آمریکا و دستیارانش دست از پا خطا نمی‌کنند و فقط به حملات لفظی اکتفا می‌نمایند. بدون تردید امروز میلیون‌ها مردم آگاه شده

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر